

چگونه قدس را از

اسارت آزاد نماییم!؟



نویسنده:

ابوشاکر مسلم



شناخت کتاب:

نام کتاب :: چگونه قدس را از اسارت آزاد نماییم؟!

(تقدیم به کسانی که فکر آزادی قدس را دارند اما نمیدانند چگونه آزاد می گردد)

نویسنده :: ابوشاکر مسلم

نوبت انتشار :: دوم

سال انتشار :: ۱۳۹۸

نشر و چاپ این کتاب برای هر مسلمان آزاد است

این کتاب از کتابخانه موحدین دانلود شده است.

اشعار زیبا در مورد قدس عزیز مان

ما برای قدس از خون جامه تر خواهیم کرد

بهر حفظش سر دهیم و جان سپر خواهیم کرد

کودک و برنا و پیر و مرد و زن روز نبرد

ایستاده در مصاف جان را سپر خواهیم کرد

هر فلاخن در کف ما ذوالفقار حیدر است

وقت هیجا کارزاری چون عمر خواهیم کرد

بار دیگر خالد و قعقاع برون خواهند گشت

هم صلاح الدین ایوبی بدر خواهیم کرد

نصرت حق گر شود همراه خیل مؤمنین

قیل و قال صهیونیسم را مختصر خواهیم کرد

گفت پیغمبر که «الاسلام یعلو» فاضلی

لاجرم صهیون را زیر و زیر خواهیم کرد

عنوان

فهرست مطالب

صفحه

- ۸..... وای بر این امت بد حال وبدون سر پوش:.....
- ۹..... چه امت ساده ی هستیم؟!.....
- ۱۰..... معرفی مسجد الاقصی.....
- ۱۲..... چرا مسلمانان به قدس ومسجد الاقصی ارزش قائل اند؟:.....
- ۱۲..... محدوده ی قدس وفضائل واهمیت آن:.....
- ۱۳..... فضائل مسجد الاقصی.....
- ۱۸..... مسجد الاقصی قبله نخستین:.....
- ۱۹..... مارا چه شده است که به یاری قدس نمی شتابیم.....
- ۲۱..... قدس از یک منطقه نیست! بلکه از یک امت است.....
- ۲۲..... تا قدس اسیر است، ما نیز اسیریم:.....
- ۲۴..... قدس شریف، پاره تن اسلام وتوته ی جگر مسلمانان:.....
- ۲۶..... بیت المقدس ، جلوه ای از معماری اسلامی:.....
- ۲۸..... تحولات وانقلاب ها در قدس از صدر اسلام تا حالا:.....
- ۲۰..... قدس برای اولین بار در دستان مسلمین:.....

- ۳۱... بیابید مطالعه این حکایت را از دست ندهید (گرفتن قدس توسط عمر رضی الله عنه):
- ۳۳... قدس بار دوم در دستان صلیب و آزاد سازی آن توسط صلاح الدین:
- ۳۵... قدس بار سوم در دستان صلیب اما این بار اسیر و مسلمانان در خواب:
- ۳۶... حملات صلیبی ها برای گرفتن قدس و صلاح الدین ایوبی و باز پس گیری قدس:
- ۳۹... آنچه صلاح الدین ایوبی در طول زندگی خویش انجام داد:
- ۴۰... داستان شب گردی صلاح الدین که فردایش قدس را فتح کرد!
- ۴۱... جنگ فکری یعنی چه؟!:
- ۴۳... بعد از اسارت قدس ، علمای امت مسلمه به شهادت رسیدند:
- ۴۶... بیگانگان در بیت المقدس:
- ۴۷... ای امت اسلام! خواب بس است!:
- ۴۹... امروز اسب ها خسته شدند از انتظار!!:
- ۵۲... به الله قسم! قدس را تحویل تان نخواهیم نمود:
- ۵۲... صلیبی ها در بلاد اسلامی یک پادشاهی و سه امارت تشکیل دادند:
- ۵۲... عوامل سقوط قدس:
- ۶۲... قدس توسط تظاهرات آزاد نمی گردد؟!:

شخصی که قدس را فتح میکند روزش را در اینترنت شب نمیکند: ۶۳.....

اینگونه جوانان نمیتوانند قدس را آزاد نمایند؟!..... ۶۶.....

واما قدس چگونه از اسارت خارج می گردد؟!

«۱» چه فکر میکنید شاید اسارت قدس کثرت گناهان مسلمانان باشد؟: ۷۳.....

«۲» قبل از آزاد سازی قدس مدارس قرآنی ونبوی تأسیس کن: ۷۳.....

«۳» واینکه ؛ قدس اینگونه ازاد می گردد..... ۷۴.....

«۴» خواندن قنوت نازلہ برای آزاد سازی قدس از اسارت: ۷۵.....

«۵» خلیفه عثمانی سلطان عبدالحمید دوم در مورد قدس می گوید..... ۷۷.....

«۶» شیخ ناصر الدین البانی در مورد آزاد سازی قدس از اسارت می گوید: ۷۷.....

«۷» شیخ ابن باز در مورد چگونگی آزاد سازی قدس می گوید: ۷۸.....

«۸» شیخ ابن عثیمین در مورد چگونگی آزاد سازی قدس از اسارت می گوید: ۷۹.....

«۹» داکتر عبدالله عزام در مورد چگونه آزاد سازی قدس از اسارت می گویند: ۸۰....

«۱۰» یکی از علمای سلف در مورد چگونگی آزاد سازی قدس می گوید..... ۸۰.....

«۱۱» شیخ عبدالعزیز طریفی در مورد چگونه آزاد سازی قدس از اسارت..... ۸۱.....

«۱۲» دکتر ایاد قنیبی حفظه الله در مورد چگونه آزاد سازی قدس از اسارت..... ۸۱.....

- «۱۳» شیخ عائض القرنی در مورد چگونه آزاد سازی قدس از اسارت می گوید: ۸۳.....
- «۱۴» الشیخ الدكتور سلیمان بن صالح الجریوع در مورد چگونه آزادی قدس..... ۸۴.....
- «۱۵» راه آزادی قدس جهاد مسلحانه است وبس!.. قدس با شعار آزاد نمی..... ۸۵.....
- «۱۶» شهید سیدقطب در مورد چگونگی آزادی قدس از اسارت می گوید..... ۸۵.....
- «۱۷» "مولانا فضل الرحمن کوهی حفظه الله" در مورد چگونگی آزادی قدس..... ۸۶.....
- «۱۸» اجماع امت مسلمه ودلسوز مبنی بر اینکه فقط راه آزادی قدس اینست:..... ۸۶.....
- «۱۹» شش کلید دیگر برای آزاد سازی قدس:..... ۸۹.....
- در اخیر (پیام برای جوانان)..... ۹۱.....

وای بر این امت بد حال وبدون سر پوش:

ماه رمضان آمد و امت بدحال! ماه ها وسالها می گذرد اما ... ، فانوس های قاهره روشن نمی شوند ، مناره های دمشق تکبیر نمی گویند ، بازارهای موصل پلمپ شده اند ، قدس اسیر است ، بیروت ساکت و خاموش مانده ، صنعا در تاریکی مطلق به سر می برد ، طرابلس در اشغال است ، تونس بی زیتون شده ، و مکه بین جدال شیاطین، رها...

با این اوصاف باز "امتِ إقرأ" نمی خواند چراکه در خواب است و اگرهم بیدارش کنی نتیجه بازی بارسلون و رئال مادرید واز جنگ کوریا وامریکا را از تو می پرسد ویا می پرسند ما را به آزادی قدس چه!

اما باذن الله در این رساله کوشش شده تا از مناقب قدس عزیز بحث شده واینک که آیا قدس شریف توسط شعار های پوچ ویا یاوه گویی ها در صفحات مجازی از اسارت خارج می گردد ویا اینکه جوانان سر بکف آنرا آزاد می کنند؟!.

ابوشاکرمسلم | چهار شنبه رمضان مبارک سال ۱۳۹۷



چه امت ساده‌ی هستیم؟!

سالهای سال است که رمضان برای پاره‌ی تن اسلام؛ فلسطین، رنج و سختی بیشتری دارد.

سالهای سال است که مردم قدس و غزه علاوه بر روزه، مکلف به مقاومت و آزادگی شده‌اند.

سالهای سال است که این مردم روزه‌شان را با خون افطار میکنند و ارمغان رمضان برای آنان مقام رفیع شهادت و قیام و آزادگی است.

اینکه یهود چنین ظالمانه سلطه‌جویی میکند، غمی نیست؛ چراکه این تقدیر الهی است و از آن گریزی نیست.

{ وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا } سوره اسراء آیه ۴.

در کتاب (تورات) به بنی اسرائیل اعلام کردیم که دوبار در سرزمین (فلسطین و دوروبر آن) تباهی می‌ورزید و برتری‌جویی و بزرگی‌میکنید و طغیان و عدوان را به غایت، و ظلم و جور را به نهایت میرسانید.

اما حقیقتاً این دردناک است که امت اسلام در غفلت به سر می‌برند و قضیه‌ی فلسطین را فراموش کرده‌اند و برای تسکین این زخم کاری، کاری نمی‌کنند.

دردناکتر از آن این است که جبهه‌گیری و مقاومت امسال فلسطینیان در برابر این اقدام دولت آمریکا و یهود رنگ و بوی سایکس بیکو دارد.

اخبار امروز را که در لابلای صفحات مجازی بررسی کردم از خود اقصی چیزی ندیدم و فقط قبة الصخره بود و صخره با شعار (القدس عاصمة فلسطین).

یعنی مقاومت حال و هوای دینی ندارد و بیشتر تعصّب قومی و ملی است.

چه امت ساده‌ای هستیم ما؛ حتی قدس و فلسطین را هم در چارچوب مرزبندی‌های سایکس بیکو می‌خواهیم و برای شکستن این حصار ملعون و تعصّب منفور تلاشی نمی‌کنیم.

امروز روزی است که آمریکا آرامش و امنیت را نباید به خواب هم ببیند مگر اینکه با آرامش و امنیت در فلسطین بی‌ساییم.

معرفی مسجد الاقصی: مسجد الاقصی یکی از بزرگترین مساجد جهان و

سومین مسجد بزرگ داشته شده در اسلام و نخستین قبله‌ی مسلمانان است. این

مسجد در شهر قدیمی قدس قرار دارد و مسجد قبلی و قبة الصخره و مصلاهی مروانی

در آن واقع شده‌اند.

شیخ ابوقتاده فلسطینی می گوید: واژه ی قدس در تاریخ اسلامی وجود نداشته و اولین کسانی که آن را به کار بردند... ترک های عثمانی بودند و بعد از آنها این واژه شایعه شد. اما نام حقیقی این شهر مبارک در تاریخ اسلامی و در زمان گذشتگانمان "بیت المقدس" بوده است.

بسیاری از مسلمانان به اشتباه قبة الصخره با گنبد طلایی را مسجد الاقصی می دانند و برخی نیز گمان می کنند مسجد الاقصی صرفا همان مسجد واقع در جهت قبله با گنبد سبز است. حال آنکه همه ی محیط بزرگی که این دو بنا در آن قرار دارد مسجد الاقصی به شمار می رود. اما مسجد قبلی (با گنبد سبزرنگ) که به مسجد عمر بن الخطاب نیز معروف است هم اکنون مکان اصلی نماز است. این مسجد توسط عمر بن الخطاب رضی الله عنه ساخته شد تا به هنگام نماز قبة الصخره پشت نمازگزاران قرار گیرد، چرا که صخره ی واقع در زیر این گنبد مورد بزرگداشت یهودیان بود. بنابراین نماز خواندن در مسجد عمر بن الخطاب (جامع قبلی) بهتر است.

در ویکی پدیای فارسی به اشتباه صرفا مسجد قبلی به عنوان مسجد الاقصی معرفی شده و باز هم به اشتباه صخره ی واقع در زیر قبة الصخره قبله ی اول مسلمانان دانسته شده است! حال آنکه منظور از مسجد الاقصی . همانطور که بیان شد . همه ی مساحتی است که این بناها در آن واقع شده است.

قابل توجه است که قبة الصخره با گنبد طلائی در دوران صدر اسلام و خلفای راشدین بنا نشده و صخره‌ی موجود در زیر آن مکشوف و پیدا بود. این بنا سپس در دوران خلیفه‌ی اموی، (عبدالملک بن مروان) بر روی صخره ساخته شد. [فتاوی ابن تیمیه (۲ / ۶۱)].



چرا مسلمانان به قدس و مسجد الاقصی ارزش قائل اند؟:

محدوده‌ی قدس و فضائل و اهمیت آن:

مسجد الاقصی، به خاطر دوری مسافتش با کعبه به این اسم نام گذاری شده است. و نیز گفته شده است به خاطر دور بودنش از نجائث و یا به خاطر آنکه دور تر از مسجد مدینه نسبت به مکه است، به آن مسجد الاقصی می گویند. (تحفة الراحع والساجد فی احکام المساجد ابی بکر الرجاعی صفحه ۱۷۵). [شیخ ابوفتاده فلسطینی می گوید: واژه‌ی قدس در تاریخ اسلامی وجود نداشته و اولین کسانی که آن را به کار بردند... ترک های عثمانی بودند و بعد از آنها این واژه شایعه شد. اما نام حقیقی این شهر مبارک در تاریخ اسلامی و در زمان گذشتگانمان "بیت المقدس" بوده است.]

و نیز اولین قبله‌ی مسلمانان بود که در آن ۱۷ ماه نماز ادا کردند.

و نیز بعد از گرفتن قدس بار اول توسط مسلمانان ، شکست یهود در جهان بود که تا زمانی مسلمانان در آن حکمفرمانی می کردند ، یهود خوار و ذلیل زندگی می کرد.

محدوده مسجدالأقصی: ابن تیمیه رحمه الله در مورد آن می گوید: "مسجدالأقصی اسمی است شامل تمام مسجدی که سلیمان علیه السلام آن را بنا نهاد. و بعضی از مردم مصلاهی را که عمر بن خطاب رضی الله عنه در جلوی آن بنا نهاد اقصی می نامند. سپس می گوید: و نمازخواندن در مصلاهی که عمر رضی الله عنه برای مسلمانان ساخت افضل تر از نماز خواندن در بقیه مسجد است." (مجموع رسائل کبری ۶۱/۲)

وصف مسجدالأقصی به حرم و یا اینکه سومین حرمین است اشتباه است و از جانب هیچ یک از علمای مسلمین چنین وصفی برای مسجدالأقصی به کار برده نشده است. چرا که حرم خاص مکه و مدینه است چنان که ابن تیمیه رحمه الله به آن اشاره کرده است. (- مجموع رسائل کبری ۶۴/۲)



فضایل مسجدالأقصی:

قبل از آنکه به دستور الله تعالی کعبه جایگزین مسجدالأقصی شود، آنجا قبله اول مسلمانان بود. بنابراین این مسجد دارای فضایل و برکاتی است:

- **فضیلت نماز در آن:** روایات مختلفی درباره چند برابر شدن ثواب نماز خواندن در آنجا وجود دارد. از جمله پانصد برابر که این ارجح روایات است. (ابن تیمیه آن را ترجیح داده است - مجموع الفتاوی ۸/۲۷) و یا هزار برابر (همچنین به پنجاه هزار برابر) سنن ابن ماجه ۴۵۱/۱ - ۴۵۳).

- **مستحب بودن زیارت مسجد الاقصی و جایز بودن سفر به قصد زیارت آن جهت خواندن نماز و دعا و ذکر و قرائت قرآن.** (مجموع رسائل کبری ۵۷/۲)

- **مبارک بودن اطراف مسجد الاقصی:** چنان که الله تعالی در آیه پنج سوره اسراء می فرماید: «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ» (اسراء ۱) یعنی: منزه است آن [خدایی] که بنده اش را شبانگاهی از مسجد الحرام به سوی مسجد الاقصی که پیرامون آن را برکت داده ایم، حرکت داد. (و این تنها آیه ای از قرآن است که لفظ مسجد الاقصی در آن است)

منظور از برکت در اینجا برکت دنیایی است. و نیز گفته شده که منظور برکت دینی است برای اینکه مقرر انبیاء و صالحان است. (جامع الاحکام القرآن قرطبی ۲۱۲/۱۰)

- **از جمله فضایل آن** دومین مسجد بر روی زمین بعد از مسجد الحرام بوده که به فاصله چهل سال از آن ساخته شده است. چنان که در صحیحین از ابی ذر رضی

الله عنه روایت شده است که گفت: عَنْ أَبِي ذَرٍّ س قَالَ: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَيْ مَسْجِدٍ وَضِعَ فِي الْأَرْضِ أَوَّلٌ؟ قَالَ: «الْمَسْجِدُ الْحَرَامُ». قَالَ: قُلْتُ: ثُمَّ أَيْ؟ قَالَ: «الْمَسْجِدُ الْأَقْصَى». قُلْتُ: كَمْ كَانَ بَيْنَهُمَا؟ قَالَ: «أَرْبَعُونَ سَنَةً، ثُمَّ أَيْنَمَا أَدْرَكْتِكَ الصَّلَاةُ بَعْدَ فَصَلَّتَهُ، فَإِنَّ الْفَضْلَ فِيهِ». بخاری: ۳۳۶۶ مسلم ۱/۳۷۰

ترجمه: ابوذر رضی الله عنه می گوید: پرسیدم: ای رسول خدا! نخستین مسجدی که روی زمین، ساخته شد، کدام است؟ رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرمود: «مسجد الحرام». پرسیدم: سپس، کدام مسجد ساخته شد؟ فرمود: «مسجد الاقصی». گفتم: بین ساختن آنها، چند، سال فاصله افتاد؟ فرمود: «چهل سال» و افزود: «هر جا وقت نماز فرا رسید، همانجا نماز بخوان زیرا فضیلت، در همین است».

- اسراء پیامبر صلی الله علیه وسلم به آنجا و سپس عروج او به آسمان.

در سرزمین شام جز مسجد الاقصی، مکانی برای زیارت مشروع نبوده ولی این مشروعیت به معنای مسح و بوسیدن و طواف اجزای مسجد نیست بلکه جهت نماز خواندن در آن و کسب ثواب بیشتر است. لذا سفر به سمت قبر ابراهیم علیه السلام که در شهر الخلیل و جنوب بیت المقدس است جایز نیست. ابن تیمیه رحمه الله می گوید: " هرگز یکی از صحابه به سوی قبر خلیل علیه السلام در شام سفر نکرده اند بلکه آنها به سوی بیت المقدس رفته اند و در آنجا نماز خوانده و به سمت قبر خلیل علیه السلام نرفته اند. (مجموع الفتاوی ۲۷/۳۳۶).

به طور خلاصه باید گفت؛ مبارک بودن مساجد سه گانه همانطور که اشاره شد به خاطر در و دیوار و یا وجود قبور بعضی از اولیاء و انبیاء در نزدیکی آنها نیست. یعنی شخص موحد جهت برخوردار شدن از برکات این مساجد، بایستی به قصد عبادت مشروع به آنجا سفر کند تا از برکات و فضیلت عبادت در آنجا، خصوصا از چندین برابر شدن ثواب نماز برخوردار گردد. و این برکتی است که خداوند تبارک و تعالی در این سه مسجد قرار داده است تا مسلمانان جهت عبادت در آنجا نسبت به مساجد دیگر حریص تر شوند. و موارد تبرک صحیح عبارتند از: نماز، دعا، قرائت قرآن (در هر سه مسجد)، بوسیدن و سلام کردن بر حجرالأسود، سلام کردن بر رکن یمانی، نماز خواندن پشت مقام ابراهیم، طواف دور کعبه، نوشیدن آب زمزم در مسجدالحرام، و زیارت قبر پیامبر علیه السلام و سلام دادن بر وی در مسجدالنبی. و غیر از آن موارد ممنوع است. و در برخی موارد بدعت و گاهی از جزو شرک محسوب می شوند.

اما در مورد تغییر قبله:

رسول اکرم صلی الله علیه و سلم، ابتدا به سوی بیت المقدس نماز میخواند ولی (به علت تعلق خاطرش به کعبه) طوری می ایستاد که کعبه نیز پیش روی ایشان قرار میگرفت تا اینکه آیه ۱۴۴ سوره بقره نازل گردید: { قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ } (بقره / ۱۴۴)

«ما رو گرداندن تو را گاه گاهی به سوی آسمان میبینیم (و آرزوی قلبی تو را برای نزول وحی جهت تغییر قبله، دریافت میداریم) پس تو را به سوی قبله‌های متوجه میسازیم که از آن خشنود خواهی شد و لذا رو به سوی مسجدالحرام کن».

در بخاری و مسلم از براء رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: «رسول الله صلی الله علیه وسلم در آغاز هجرت به مدینه، به فرمان الهی شانزده یا هفده ماه به سوی بیت المقدس نمازی گزاردند، اما بسیار مشتاق آن بودند که کعبه قبله‌شان باشد و بدین سبب فرمان تغییر قبله نازل شد. یادآور می‌شویم؛ اولین نمازی که رسول الله صلی الله علیه وسلم به سوی کعبه خواندند، نماز عصر بود، و مردی از آنان که با پیامبر صلی الله علیه وسلم این نماز را در جماعت خوانده بود، از مسجد بیرون آمد و در یکی از مساجد دیگر بر نمازگزارانی گذشت که در حال رکوع بودند، پس گفت: شهادت می‌دهم به خدا که با رسول وی صلی الله علیه وسلم به سوی کعبه نماز گزارده‌ام. در این هنگام آنها همچنان که در حال نماز بودند، به سوی کعبه چرخیدند». ابن کثیر می‌گوید: «اینان نمازگزاران مسجد قبا بودند و آن نماز؛ نماز بامداد بود». هم‌او به نقل از مفسران می‌گوید: «حکم تغییر قبله در حالی بر رسول خدا صلی الله علیه وسلم نازل شد که ایشان دو رکعت از نماز ظهر را خوانده بودند و ماجرای آمدن یکی از نمازگزاران و خبر دادن به دیگران، در مسجد بنی سلمه رخ داد، بدین جهت، این مسجد به نام مسجد قبلتین نامیده شد». در حدیث شریف به روایت ابن عباس رضی الله عنه آمده است که

رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمودند: «کعبه، قبله اهل مسجدالحرام است، مسجدالحرام قبله اهل حرم، و حرم قبله اهل زمین از امتم در مشرقها و مغربهای آن». مفسران گفته اند: اشتیاق رسول اکرم صلی الله علیه وسلم در روی آوردن به سوی کعبه سه دلیل داشت:

۱- کعبه، قبله پدرشان ابراهیم علیه السلام بود.

۲- اعراب به لحاظ تعلق روحی ای که به کعبه داشتند، با تحویل قبله به سوی آن، انگیزه بیشتری برای ایمان آوردن پیدا می کردند.

۳- یهودیان می گفتند: محمد با ما مخالفت می کند، اما از قبله ما پیروی می نماید، لذا رسول خدا صلی الله علیه وسلم دوست داشتند که زمینه این طعنه یهود هم از میان برود.

و مسجد الاقصی که اکنون وجود دارد همان مسجد الاقصی است که قبلا وجود داشته.



مسجد الاقصی قبله نخستین:

از روزهای نخستین ظهور اسلام، مسلمانان موظف شدند تا آنجا را به عنوان قبله نخستین خود قرار داده و نمازهایشان را به سمت مسجد الاقصی و قدس شریف بخوانند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم تا هفده ماه بعد از هجرت به مدینه، به سوی قدس نماز می خواند .



ما را چه شده است که به یاری قدس نمی شتاییم.....:

آیا میدانستید که امیر المومنین عمر فاروق رضی الله عنه با ۳۵ هزار مجاهد، بیت المقدس را از رومیان آزاد ساخت،

و کمتر از ۳۰۰ سال پیش سلطان صلاح الدین ایوبی رحمه الله نیز تنها با ۲۵ هزار مجاهد بار دیگر بیت المقدس را از صلیبی ها پس گرفت ...؟

اما امروز امت ملیونی با توپ و طیاره های هنگفت حتی فکر پرتاب یک مرمی را هم طرف اشغال گران ندارند. _وا اسفا!_

شرم باد بر امت مسلمه!

- (۹۰) میلیون مصری.
- (۴۰) میلیون جزائری.
- (۴۲) میلیون مغربی.
- (۳۰) میلیون عراقی.

- (۳۰) ملیون سودانی.
- (۲۵) ملیون سعودی.
- (۲۵) ملیون سوری.
- (۲۳) ملیون یمنی.
- (۱۰) ملیون تونسسی.
- (۹) ملیون اردنی.
- (۷) ملیون اماراتی.
- (۶) ملیون لیبی.
- (۵) ملیون لبنانی.
- (۳) ملیون کویتی.
- (۳) ملیون بحرینی وقطری.
- (۲) ملیون عمانی!!!!!!

توان استادان درمقابل (۸) ملیون اسرائیلی صهیونی را ندارند..



قدس از یک منطقه نیست! بلکه از یک امت است: تئودر هرتزل

بنیانگذار صهیونیسم در نامه ای به سلطان عبدالحمید نوشت که در ازای دریافت پول

هایی هنگفت، به یهودیان اجازه دهد که به فلسطین مهاجرت کنند، چرا که در سر سودای تشکیل کشور اسرائیل را داشت

اما سلطان عبدالحمید در پاسخ به او چه گفت؟؟؟

سلطان عبدالحمید دوم رحمه الله در پاسخ به هرتزل موسس و بنیانگذار صهیونیسم گفت:

به دکتر هرتزل بگویند که در اینباره نقشه‌های جدیدی را طرح ریزی نکنند، چرا که من نمی‌توانم حتی از یک وجب خاک فلسطین گذشت کنم. این سرزمین ملک من نیست بلکه ملک امت اسلامی است و این امت در حفظ این سرزمین تلاش بسیاری کرده است و آن را با خونس آبیاری کرده است. پس یهود پوله‌های میلیونی خود را نگه دارد و اگر روزی دولت خلافت پاره‌پاره گشت می‌توانند فلسطین را بدون هیچ بهایی بدست بیاورند. اما تا زمانی که من زنده هستم اگر بدنم تکه‌تکه شود برای من آسانتر از آن است که بینم فلسطین از دولت عثمانی جداگشته است و این امریست که هرگز متحقق نخواهد شد. من هرگز نمی‌توانم راضی شوم که بدن ما در حالی که زنده هستیم تکه‌تکه شود. [منبع: الدولة العثمانية عوامل النهوض وأسباب السقوط علی محمد محمد الصلابی].

و بعدها با سیاست های عجیب و غریب یهودیان، دولت خلافت عثمانی پاره پاره گشت و مسجد الاقصی جگر گوشه اسلام به اشغال یهودیان صهیونیسم در آمد.



تا قدس اسیر است، ما نیز اسیریم:

ازصلاح الدین ایوبی پرسیدند که چرا خنده نمیکنی؟ وی در جواب گفت: قدس اسیر است و من خنده کنم!

بلی امت مسلمه! همانطوریکه تاریخ شهادت میدهد، از بدو خلقت بشر تا اکنون دو خط متضاد به عنوان حق و باطل همواره با هم در مبارزه بوده اند که انجام ونتیجه این جریان را الله بزرگ قطعاً به نفع مسیر حق عنوان کرده است، که این آیه قرآنی به وضاحت این موضوع ما را کمک میکند: ﴿قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا﴾ (اسراء/۸۱) یکی از مبارزات برحق امت مسلمه مبارزه شجاعانه ملت مسلمان و قهرمان فلسطین است که در برابر سیاست غاصبانه یهود و صهیونیسم اسرائیل به جهاد پرداختند و این روند تا امروز هم ادامه یافته است، و این ملت قهرمان و شجاع همواره در پرتو جهاد و مقاومت خود، شهادت را آگاهانه قبول کرده و به دامن قرآن چنگ زدند و تا امروز توانستند که افتخار بزرگی را برای امت مسلمه کسب کردند، تاریخ در این راستا گواه صادقی که ملت مسلمان فلسطین با نبود

کوچکترین امکانات در برابر قدرت استعماری که دست رسی به اسلحه هسته ای دارد، مبارزه کردند. باید گفت که نقطه هدف در این مبارزه حفظ حرمت قبله مسلمین و معبد مقدسی که بنیاد آن توسط پیامبر عظیم الشان ما سلیمان(علیه السلام) گذاشته شد، و این حق ثابت و مسلم مردم فلسطین و در کل وجیهه همه امت مسلمه است تا از این بنای مقدس دفاع نمایند، اگرچه در طول مدت مبارزه در بین این دو جناح حق و باطل به منظور کاهش تلفات آتش بسهای اعلان گردیده است، که همواره میثاقها و پیمان نامه ها از سوی غاصبان یهودی نقض گردیده اند این عهد شکنی و پیمان شکنی چیزی جدیدی برای یهودیان مفسد نیست، بل تاریخ هم پیمان شکنی های دیرینه ایشان را در دل خود به عنوان گواهی بر ردالتشان ثبت کرده است.

بیت المقدس به عنوان نخستین قبله مسلمانان یکی از اماکن مقدسه و مورد احترام ۱.۸ میلیارد مسلمان جهان است، مسلمانان در هر نقطه از جهان که باشند از این مکان مقدس به تمجید یاد کرده و آنرا قبله نخستین خود میدانند، از این رو تا زمانیکه مسلمانان در قدس اسیر استعمارگران صهیونیزم باشند، به این معنی است که جمعیت بزرگ مسلمانان جهان نیز در اسارت صهیونیزم غاصب به سر می برند. یهود ویرانگر به عنوان غده نجیس سرطانی در قلب پیکره جهان اسلام جای گرفته است که راه نجات از شر دسیسه های خصمانه این طیف شیطانی همکاری جانی و مالی جهان

اسلام به ملت قهرمان فلسطین و به پیشگاه الله متعال و بر صبر و استقامت ایشان در راه جهاد و دفاع از بنای مقدس و مطهر بیت المقدس است. [مجله مبلغان آبان و آذر ۱۳۸۲، شماره ۴۷].



قدس شریف، پاره تن اسلام و توتی جگر مسلمانان:

بیت المقدس یکی از شهرهای تاریخی و مذهبی جهان به شمار می رود. این شهر با قدمتی که به ۳۵ قرن پیش می رسد حائز اهمیت خاص بوده است و از دیرباز کانون توجه بزرگترین ادیان ابراهیمی (یهودیت، مسیحیت و اسلام) قرار داشته است. به همین جهت آثار و بناهای زیادی از این ادیان در مناطق مختلف این شهر به چشم می خورد. طبق برخی روایات این شهر توسط حضرت سلیمان بن داود ساخته شده است. در این سرزمین مقدس پیامبران الهی زندگی کرده و در آنجا دفن شده اند. امام باقر علیه السلام به محمد بن مسلم فرمودند: «هنگامی که حضرت یعقوب از دنیا رفت، یوسف علیه السلام او را در تابوتی به سوی ناحیه شام حمل کرده و در بیت المقدس دفن نمود [التهدیب، ج ۶، ص ۲۲].

این شهر تاریخی، مذهبی و معنوی از آغاز ظهور دین اسلام مورد توجه قرار گرفته و به خاطر امتیازها و ویژگیهایی که داشته، از همان صدر اسلام به عنوان سومین شهر

مقدس مسلمانان بعد از مکه و مدینه به حساب می آمده است . به همین جهت در این نوشتار به جایگاه و اهمیت این سرزمین الهی و مامن پیامبران آسمانی از منظر اسلام به نظاره می نشینیم .

تئودر هرتزل بنیانگذار صهیونیسم در نامه ای به سلطان عبدالحمید نوشت که در ازای دریافت پول هایی هنگفت، به یهودیان اجازه دهد که به فلسطین مهاجرت کنند، چرا که در سر سودای تشکیل کشور اسرائیل را داشت!

اما می دانید ؟ سلطان عبدالحمید در پاسخ به او چه گفت ؟؟؟

سلطان عبدالحمید دوم رحمه الله در پاسخ به هرتزل موسس و بنیانگذار صهیونیسم گفت:

به دکتر هرتزل بگویند که در این باره نقشه های جدیدی را طرح ریزی نکنند، چرا که من نمیتوانم حتی از یک وجب خاک فلسطین گذشت کنم. این سرزمین ملک من نیست بلکه ملک امت اسلامی است و این امت در حفظ این سرزمین تلاش بسیاری کرده است و آن را با خونش آبیاری کرده است. پس یهود پولهای میلیونی خود را نگه دارد و اگر روزی دولت خلافت پاره پاره گشت میتوانند فلسطین را بدون هیچ بهایی بدست بیاورند. اما تا زمانی که من زنده هستم اگر بدنم تکه تکه شود برای من آسانتر از آن است که ببینم فلسطین از دولت عثمانی جدا گشته است و این امریست که

هرگز متحقق نخواهد شد. من هرگز نمیتوانم راضی شوم که بدن ما در حالی که زنده هستیم تکه تکه شود. [منبع: الدولة العثمانية عوامل النهوض وأسباب السقوط علی محمد محمد الصلابی].

و بعدها با سیاست های عجیب و غریب یهودیان، دولت خلافت عثمانی پاره پاره گشت و مسجد الاقصی جگر گوشه اسلام به اشغال یهودیان صهونیسم در آمد.



بیت المقدس ، جلوه ای از معماری اسلامی:

از مهمترین بناهای مذهبی در شهر بیت المقدس، مسجد الاقصی است که در زاویه شرقی شهر و رو به قبله می باشد . این مسجد قبل از اسلام به شکل امروزی نبود؛ بلکه تمام حرم شریف را که شامل قبة الصخره و جاهای دیگر نیز می شد مسجد الاقصی می نامیدند .

اما امروزه این نام بر مسجد بزرگی واقع در جنوب صحن حرم شریف اطلاق می شود. بنای جدید مسجد الاقصی در سال ۷۴ ق توسط عبدالملک بن مروان شروع و در سال اول حکومت ولید بن عبدالملک (۸۶ ق) به پایان رسید . طول مسجد ۸۰ متر و عرض آن ۵۵ متر است و مساحتی به اندازه ۴۴۰۰ متر مربع را شامل می شود . دکتر گوستاولوبون در کتاب اسلام و تمدن عرب می نویسد: «مسجد الاقصی از

مهمترین و شگفت انگیزترین بناهایی است که انسان ساخته و زیبایی آن تصورناپذیر است. »

قبة الصخره یکی دیگر از آثار اسلامی در قدس شریف است. معراج پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم از روی همین صخره - که مکانی به طول ۱۷/۷۰ متر و عرض ۱۳/۵۰ و ارتفاع ۱/۵۰ متر می باشد - انجام پذیرفت. این بنا در سالهای ۷۲ و ۷۸ ق توسط عبدالملک بن مروان دوبار تعمیر و تکمیل شد. قبة الصخره در فاصله ۵۰۰ متری مسجدالاقصی واقع شده است. یکی از دانشمندان اروپایی می گوید: من آثار و بناهای بسیاری را در هند و اروپا دیده ام؛ اما تا آنجایی که به یاد دارم بنایی زیباتر از قبة الصخره ندیده ام. تناسب حجمها و رنگهای این اثر بی نظیر است.

افزون بر این دو بنا، ساختمانهای فرهنگی و مذهبی همچون مساجد، مدارس و آثار دینی زیادی از مسلمانان در این شهر وجود دارد که عظمت، پیشرفت و تمدن مسلمانان را در قرنهای گذشته به نمایش می گذارد. وجود ۳۶ مسجد و آرامگاه گروهی از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم از جمله قبر عبادة بن صامت انصاری اولین قاضی مسلمان در بیت المقدس، قبة السلسله، بیمارستان فاطمی، بیمارستان صلاحی، قبة المعراج، مدرسه نحویه، قلعه بیت المقدس، سقاخانه شعلان، دارالحديث، محراب داوود، مدرسه سلامیه، دارالقرآن سلامیه، حمام شفا و دهها اثر دیگر تاریخی،

فرهنگی، علمی و بهداشتی از مسلمانان در بیت المقدس شاهد گویایی بر درایت و تدبیر و فرهنگ دوستی مسلمانان در طول حکومت بر آن شهر مقدس می باشد .
[منبع: بیت المقدس شهر پیامبران، ص ۱۱۸؛ تاریخ قبة الصخرة المشرفة، ص ۷۵؛ تاریخ بیت المقدس و مسئله فلسطین، ص ۴۳].



تحوالات و انقلاب ها در قدس از صدر اسلام تا حالا:

در زمان خلافت امیر المومنین عمر بن الخطاب سال ۱۶ هجری برابر ۶۳۸ میلادی بیت المقدس فتح شد، هنگامی که نصاری ساکنین شهر قدس از فرمانده لشکر مسلمانان ابوعبیده بن الجراح خواستند که با آنها پیمان صلح و امان امضاء کند، و جزیه بپردازند، ولی آنان تنها شرط شان این بود که باید خلیفه مسلمانان خودش جهت امضای قرار داد و تحویل گرفتن کلید بیت المقدس تشریف بیاورد، زیرا که وصف ایشان را در تورات دیده بودند.

بدین خاطر امام عمر رضی الله عنه تشریف آوردند و با آنها قرارداد صلح امضاء نمودند، و سرزمین مقدس را از لوٹ یهود و نصاری پاک گردانیدند و در آنجا مسجد بنا نمودند.

سپس بعدها سرزمین قدس بارها از طرف صلیبی‌ها مورد حمله قرار گرفت و در سال ۴۹۲ هجری برابر با ۱۰۹۸ میلادی صلیبی‌ها بیت المقدس را اشغال نمودند. آنگاه در ماه رجب سال ۵۸۳ هجری برابر با ۱۱۸۷ میلادی قهرمان اسلام صلاح الدین ایوبی مجدداً قدس را از چنگال صلیبی‌ها بیرون آورد و آن را پاک گردانید.

ولی دوباره صلیبی‌ها در سال ۶۲۶ هجری سرزمین قدس را بتصرف خود در آوردند، آنگاه در سال ۶۳۷ هجری برابر با ۱۲۳۹ میلادی ملک ناصر ایوبی از آنان باز پس گرفت، سپس در سال ۶۴۱ هجری صلیبی‌ها مجدداً قدس را تصرف کردند آنگاه پس از یک سال پادشاه پارسا ایوب از تصرف آنها بیرون آورد.

ولی افسوس صهیونیستها و صلیبی‌ها بعد از جنگ‌های پی در پی و همچنین پس از کنفرانسهای متعدد و توطئه‌های بسیار، توانستند در سال ۱۹۶۷ میلادی آن را به اشغال خود در بیاورند، و از آن تاریخ به بعد درگیریهایی و کشمکش‌ها ادامه دارد.



قدس برای اولین بار در دستان مسلمین:

امام طبری در تاریخش می‌گوید: در سال ۱۵ هجری (۶۳۶ م) نیروهای مسلمان، پس از فتح شام به سوی شهر بیت المقدس روی آوردند، آنان مدت ۴ ماه آن شهر را

محاصره کردند و سختیهای زیادی را متحمل شدند تا شهر را بدون خونریزی و جنگ و کشتار تحویل بگیرند .

حاکمان شهر، که از یاری رومیها نا امید شدند و مردم شهر که از دست حکمرانان بی کفایت خسته شده بودند، پیشنهاد کردند که ما شهر را به خلیفه وقت تحویل می دهیم . مسلمانان نیز شرط آنان را پذیرفته و به خلیفه دوم اطلاع دادند که برای تحویل گرفتن بیت المقدس به آنجا بیاید . او نیز با صلاح دید علی رضی الله عنه و برخی از بزرگان مدینه، به بیت المقدس آمد و ضمن ملاقات با اسقفها و رهبران مذهبی، امان نامه ای را نوشته و رسماً بیت المقدس را تحویل گرفت .

بخشی از متن امان نامه عمر رضی الله عنه به ساکنین بیت المقدس چنین است:

این امان نامه ایست که عمر رئیس مسلمانان به مردم ایلیاء (بیت المقدس) داده است، به جان و مال و کلیسا و صلیب و مریض و سالم و همه افراد آن امان می دهد و اجازه نمی دهد که کلیساهای آنان را اشغال کنند و آنها را ویران سازند و چیزی از آنها را کم کنند . آنان در مسائل مذهبی آزادند و ایشان هم نباید احدی از یهودیان را در ایلیاء سکونت دهند . مردم ایلیاء نیز لازم است مانند جاهای دیگر به مسلمانان «جزیه» پردازند و دزدها و رومیها را از آنجا بیرون کنند [تاریخ طبری].

پس از امضای این قرارداد، مسلمانان بدون خونریزی و درگیری و در آرامش کامل وارد شهر شدند .

پس از فتح مسالمت آمیز شهر «ایلیاء» توسط لشکر اسلام، با توجه به قداستی که قرآن کریم برای آن سرزمین قائل شده است و همچنین به خاطر قبله اول بودن، نام ایلیاء را به «بیت المقدس» تغییر دادند و این شهر را که در طول زمانهای قبل از اسلام به ویرانه تبدیل شده بود، آباد کردند .

اصحابی که در فتح بیت المقدس حضور داشتند عبارتند از: ابو عبیده جراح، معاذ بن جبل انصاری، بلال (مؤذن پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم)، ابوذر غفاری، ابو درداء، عبادة بن صامت انصاری، سلمان فارسی، ابو مسعود انصاری، عبدالله بن سلام، سعد بن ابی وقاص، شداد بن اوس . [تاریخ طبری].



بیایید مطالعه این حکایت را از دست ندهید(داستان گرفتن قدس توسط عمر رضی الله عنه):

آنگاه که لشکر توحید مسلمانان قدس را محاصره کردند ، مسیحیان قدس پیشنهاد نمودند که شهر را بدون جنگ و مقابله به مسلمانان تسلیم میکنند (پیشنهاد پذیرفته شد) جریان به مدینه طیبه (دارالخلافه) گذارش شد ، امیر المؤمنین عمر رضی الله عنه با

اصحاب مشوره نمود ، سیدنا علی رضی الله عنه گفت که قدس شهر مهمی است و برای تسلیم گرفتن شهر خودتان بروید.

عمر رضی الله عنه پذیرفت و علی رضی الله عنه را بجای خود در مدینه مقرر نمود.

عمر رضی الله عنه بطرف شام حرکت نمود (خلیفه ی شرق و غرب نه گارد تشریفات دارد و نه لشکر و نه سیاه و نه اسلحه.....) بلکه فقط با یک غلام و یک شتر..

عمر به غلام گفت: باید در بین راه هم عدالت رعایت شود گاهی غلام بر سر شتر سوار میشد و تناب در دست عمر میبود و گاهی عمر بر شتر و تناب در دست غلامش و یک نوبت هم شتر را خالی همراهی میکردند.

تا اینکه به سرزمین شام (سوریه) رسیدند. لشکر موحدین اسلام به استقبال امیر المؤمنین شتافتند ، اتفاقا غلام بر شتر سوار بود و پاهای عمر با گل ولای و خاک آلوده و مملو بود.

تعدادی نزد ابوعبیده بن الجراح آمدند و گفتند که تو برای خلیفه بگو که چون میخواهد که نزد بزرگان مسیحیان برای فتح قدس میروند و اینگونه رفتن در شأن خلیفه مسلمانان نیست.

ابوعبیده برای عمر رضی الله عنه جریان را گفت . عمر رضی الله عنه فرمود: «نحن قوم اعزنا الله بالاسلام ولو ابتغينا العزة في غيرها اذلنا الله» .

یعنی: ما قومی هستیم که الله ما را بواسطه اسلام عزت داد و اگر عزت را در چیز دیگر جستجو کنیم الله ما را خوار و ذلیل میسازد.

خلیفه ی اسلام با همان وضعیت وارد قدس شد و شهر را تسلیم گرفت و بیرق اسلام را در قدس بر افراشت.

(ما فروش را انداختیم و او قدس را فتح کرد و ما دوباره او را تسلیم دشمن دادیم)

یاالله!!! میدانم که هیچ عذری در قبال قدس قابل قبول نیست .



قدس بار دوم در دستان صلیب و آزادی آن توسط صلاح الدین:

در سال ۴۹۲ هجری صلیبیان شهر قدس را اشغال کردند، و بمدت ۹۰ سال سایه شوم آنها بر این شهر حکم فرما بود.

اما این مدت طولانی هرگز سبب نشد که بار دیگر این شهر به آغوش مسلمانان برنگردد و در سال ۵۸۳ هجری به دست سلطان صلاح الدین ایوبی رحمه الله آزاد گشت.

کسی از شیخ پرسید؛ چرا مسلمانان ذلیل شده اند و کافران بر آنها مسلط شدند و شهرهای آنها پیاپی سقوط میکند؟!

شیخ پاسخ داد زیرا هشت را بر سه برتری دادند !!!

پرسیده شد، هشت چیست و سه چیست !!؟

شیخ این آیه را خواند؛ {قل إن كان آباؤکم وأبناؤکم وإخوانکم وأزواجکم وعشیرتکم وأموال اقترتموها وتجارۃ تخشون کسادها ومساکن ترضونها أحب إلیکم من الله ورسوله وجهاد فی سبیلہ فترصبوا حتی یأتی الله بأمره والله لا یرہدی القوم الفاسقین}.

یعنی: بگو: اگر پدران و فرزندان و برادران و همسران و قوم و قبیله‌ی شما، و اموالی که فراچنگش آورده‌اید، و بازرگانی و تجارتی که از بی‌بازاری و بی‌رونقی آن می‌ترسید، و منازلی که مورد علاقه‌ی شما است، اینها در نظرتان از خدا و پیغمبرش و جهاد در راه او محبوبتر باشد، در انتظار باشید که خداوند کار خود را می‌کند (و عذاب خویش را فرو می‌فرستد). خداوند کسان نافرمان‌بردار را (به راه سعادت) هدایت نمی‌نماید.



قدس بار سوم در دستان صلیب اما این بار اسیر و مسلمانان در خواب...:

عمر رضی الله عنه قدس را توسط صلح تقدیم مؤمنان نمود ، صلاح الدین ایوبی توسط جنگ و خونریزی قدس را برای مؤمنان هدیه کرد ، اما بار سوم نوبت من و تو است که چه باید کرد در مورد اسارت قدس ، سر از همین حالا تصمیم ات را بگیر!.

قسم به الله! از روزیکه به عقل آمده ام و فهمیدم اولین قبله ی مسلمانان در اسارت است و مسلمانان در خواب! آرامش روحی را از دست داده ام.

زمانی که نزد سلطان صلاح الدین ایوبی لطیفه ای را تعریف کردند.

همه خندیدند اما او نخندید؛ دوباره لطیفه را طور دیگری بیان کردند بازهم نخندید!!

در جواب فرمود: می خواهید بخدمت در حالی که قدس در دست صلیبیان است.

چه جالب:!

ما باید چه بگوییم؟! بگوییم می خواهید بخدمت در حالی که یک وجب خاک در

دست امت اسلام نمانده است؟!

می خواهید بخدمت درحالی که خلیفه واهل حل و عقد نداریم ویتیم و بی سرپرستیم بخدمت در حالیکه امت پارچه پارچه شده میخواستید بخدمت در حالیکه خواهران مان در زندان های کفار ومرتدین از کفار ومرتدین حامله شده اند یا الله درد مندم ..!!.



حملات صلیبی ها برای گرفتن قدس و صلاح الدین ایوبی و باز پس گیری قدس:

قدس و تمام فلسطین و سواحل لبنان همگی در تصرف و در دستان شیعیان عبیدی بود، و صلیبی ها با سهولت هرچه تمام تر این مناطق را از چنگال عبیدی ها خارج کردند، حتی به گفته مورخین این مناطق به آنان تقدیم شد،

بهمین دلیل عبیدی ها مستحق ترین کسانی بودند که صلاح الدین ایوبی بر آنان خشم گیرد و انتقام این خیانت را از آنها بگیرد و این عقاب و انتقام تنها راه آزادی قدس و تمامی آن مناطق بود.

جنگ های صلیبی که بین مسلمانان و مسیحیان رخ داد ۲۰۰ سال به طول انجامید که از سال ۱۰۹۵ میلادی شروع شد .

• **حمله اول صلیبی** : در سال ۱۰۹۵ میلادی شروع و تا سال ۱۰۹۹ میلادی به طول انجامید که در این جنگها اکثر موفقیت ها برای اروپایی ها بود طوری که مسیحیان توانستند مسلمانان را از قدس بیرون کنند .

• **حمله صلیبی دوم**: در سال ۱۱۴۷ میلادی شروع و تا ۱۱۴۹ میلادی به طول انجامید که مسلمانان توانستند شهر ادسا را فتح کنند و سپس جنگهای صلیبی دوم شروع شد که این بار مسیحیان نتوانستند از این جنگها پیروز بیرون بیایند .

جنگ های صلیبی بین نیروهای اروپایی که بزرگترین آنها امپراطوری رومانی و مسلمانانی بود که بر قدس سیطره داشتند .

در این جنگ ها تعداد نیروهای صلیبی حوالی ۳۰۰۰۰ سرباز بود و همچنین همراه این لشکر تعدادی دیگر از اسب سواران و کشاورزان و عامه مردم حضور داشتند

و بعضی از اروپاییان فکر می کردند که این سپاه آنان را به بزرگترین قدرت دنیا تبدیل میکند و بعضی دیگر سعی داشتند که مهارت های جنگی خود را به نمایش بگذارند و بعضی دیگر از مسیحی ها این جنگها را جهاد دانسته و بسبب آن بهشت میروند .

یکی از شعار های صلاح الدین این بود که: قدس از ماست وما از قدسیم!.

در سال ۱۱۸۷ میلادی صلاح الدین ایوبی سلطان مصر شهر قدس را از اروپایی ها بعد از معرکه حطین که بین مسلمانان و اروپاییان رخ داد به کنترل خود در آورد . و بعد از این حمله صلیبی سوم با فرماندهی امپراتور فریدریک اول از آلمان و پادشا فیلیپ دوم از فرانسه و پادشاه ریچارد شیردل از انگلیس برای بازپس گرفتن قدس شروع شد . ریچارد شیردل چندین سال با صلاح الدین ایوبی جنگید اما در نهایت نتوانست قدس را بازپس گیرد فقط توانست یک بار دیگر از مسلمانان این اجازه را بگیرند که زیارت قدس را بکنند.

در سال ۱۲۰۲-۱۲۰۴ حمله صلیبی چهارم به واسطه پاپ اینوسنت سوم که مسیحیان را جمع کرده بود خواست قدس را باز پس گیرد اما همراه با این صلیبی ها از هدف اصلی خود که فتح قدس بود دور شده بودند از هدف خود تنازل کرده و اینبار قصد بازپس گرفتن قسطنطنیه (استانبول) را کردند بجای بازپس گرفتن قدس.

حمله صلیبی پنجم ها در سال (۱۲۱۲) برای گرفتن قدس: این حمله بواسطه بچه ایی فرانسوی که اسمش ستیفن بود و بچه ایی دیگر که آلمانی بود و اسمش نیکولاس بود و هزاران تن از بچه های مسیحی جمع شدند و قصد حمله و بازپس گرفتن قدس را کردند و این لشکر بچه ها قبل از اینکه به هدف خود برسد نابود شد و به نتیجه ایی نرسید .

حملات صلیبی پنج تا نه (۱۲۱۷-۱۲۷۲)

در حدود همین سالهای کوتاه پنج جنگ بین مسلمانان و مسیحیان رخ داد اما در هیچکدام از این جنگ ها مسیحیان نتوانستند قدس را باز پس گیرند .

البته بعد از خنثی ساختن اهداف شوم صلیبی ها توسط صلاح الدین ، آنها جنگ فکری را به راه انداختند ، اینک که مختصرا در مورد جنگ فکری بحث خواهیم نمود.



آنچه صلاح الدین ایوبی در طول زندگی خویش انجام داد...

دوازده سال تمام جهاد کرد تا سرزمین شام را که پس از وفات نورالدین زنکی تکه تکه شده و هر شهری کشوری شده بود را یک پارچه کرد و زیر یک پرچم جمع کرد.

قدس را آزاد کرد که نزدیک به ۸۸ سال به دست صلیبیان بود.

دولت فاطمیون را سرنگون کرد که مدت ۲۰۰ سال حکمرانی کردند و بر درب مساجدشان نوشته بودند «لعن الله ابی بکر و عمر».

در جنگ 'حطین' با ارتشی ۱۲ هزار نفری توانست ارتش صلیبیان را شکست دهد که قریب به ۶۳ هزار نفر بودند.

توانست هجوم سوم صلیبیان را که با سپاهی ۲۵۰ هزار نفری یورش آورده بودند را با جیشی ۱۲ هزار نفری شکست دهد.

صلاح الدین ۲۴ سال حکمرانی کرد که مؤرخین می گویند: ۱۶ سال سوار بر اسب و چادر نشین بود و نتوانست در خانه ای سکنی گزیند.



داستان شب گردی صلاح الدین که فردایش قدس را فتح کرد!

در شبی که لشکر صلاح الدین ایوبی برای فتح بیت المقدس خود را آماده میکرد... فرمانده بزرگ صلاح الدین ایوبی داشت به خیمه ها سر میزد و بازرسی میکرد.. از این خیمه صدای نماز خواندن اهلش می آمد دیگری اهل خیمه در حال ذکر کردن بودند، آن یکی در حال قرائت قرآن بودند تا اینکه رسیدند به خیمه ای که ساکنینش خواب بودند...

به همراهانش گفت: بخاطر این خیمه شکست میخوریم.. (بخاطریکه فردا فتح قدس است و اینها به عیوض عبادت و تلاوت قرآن خوابیده اند).

سبحان الله! چه الله ترسی در وجود خود داشتیم...

بله چه بوده ایم و چه شده ایم زمانی که عزت داشتیم خود و اصل خود را فراموش کرده ایم باید دوباره عزت از دست رفته خود را باز یابیم.

این من و تو هستیم بندگان خاص الله پس از همین دقیقه باید به عهد و پیمان خود وفا کنیم

عزت میراثی است که به ما گذاشته شده است ، یا قبولش می کنیم و عزتمند میشویم و یا با بی عزتی زندگی می کنیم، مردن با عزت بهتر از زندگی ای با ذلت است.



جنگ فکری یعنی چه؟! :

جنگ یکه خطرناک تر از جنگ اسلحه ی است.

در این نوع جنگ (توپ ، طیاره ، مرمی ، بمباران و... اسلحه ی جنگی به کار نیست) ؛ فقط و فقط در عقیده ، منهج مسلمانان تغییر می اورند.

صلیبیان در تاریخ نتوانستند در جنگ اسلحه ی بالای مسلمانان پیروز شوند ؛

در زمان جنگ های صلیبی در سرزمین مبارک شام که صلیبی ها بارها شکست خوردند و پادشاه ششم یا هشتم فرانسه بدست مسلمانان اسیر شد اینجا صلیبیان فهمیدند که در جنگ اسلحه ی پیروز نمیشویم!

باز همانجا بود که خود پادشاه فرانسه در زندان تصمیم گرفت تا جنگ فکری را آغاز کند ، اینک که آغاز نمود .

متأسفانه حین آغاز جنگ فکری علیه مسلمانان پشت در پشت سرزمین های اسلامی شکست خورد (بغداد ، بیت المقدس ، شام ، روم ، اندلس ، و....) .

مسلمانان به حدی زیر تاثیر جنگ فکری رفتن که امریکائی ها درافغانستان و عراق لیبی بالای زنان تجاوز کردند ودر سوریه زنان را بی عفت ساختن ودر سعودی زنان را از خانه به می خانه وبه جلو موتر ها کشیدند.

حکام کشورهای اسلامی را به حدی عاجز ورسوا ساختند که طفل یکه به سن بلوغ نرسیده به آنها عار و طعنه میزند.

وبالاخره جنگ فکری کاری کرد که مساجد مسلمین تبدیل به خانقاه ، کلیسا ، می خانه ، و.... شد.

اما برای تو مسلمان میگویم!

از الله بترس ، از خون شهدای یکه در سرزمین های اسلامی بخاطر اقامه نظام الله ریخته شد از تو پرسیان میشود!

اگر از مردش نیستید جنگ اسلحه ی کنید پس درجنگ فکری کوشش کنید علیه غرب مبارزه کنید.

اگر هیچ کاری کرده نمیتوانید از صفحات اجتماعی (فیسبوک، واتساب، تلگرام و...) مبارزه کنید و چهره پلید غرب را به نمایش بگذارید، و چهره نیک اسلام را به جهانیان معرفی کنید.

یقیناً الله بالای دشمنان اش شما را غالب میسازد.



بعد از اسارت قدس، علمای امت مسلمه به شهادت رسیدند:

رنج و محنت دولت فاطمی بر امت اسلامی بسیار سنگین بود آنگونه که امام ذهبی رحمه الله میفرمایند:

هنگامی که بر فلسطین تسلط یافتند، علماء و صالحین و مردم بی پناه به بیت المقدس پناه بردند و فاطمی ها علما و بزرگان اسلام را مجبور به لعن و نفرین بزرگان صحابه در بالای منابر میکردند، و هنگامی که تمامی شام را گرفتند به دعوت رافضی گری خود پرداختند و نمازی تراویح و ضحی را تعطیل کردند و دستور به قنوت در نماز ظهر مساجد دادند و ...

اما امام نابلسی از بزرگان اهل سنت و جماعت بود که از شدت رنج و محنت فاطمی ها از رمله به دمشق هجرت کرد و وقتی کشتار و جنایات فاطمی ها را دید فرمود:

اگر من ۱۰ تیر در دست داشتم یکی از آنها را به سمت روم پرتاب میکردم و ۹ تای دیگر را به سوی بنی عبید (فاطمیون).

بعد از اینکه شیعیان قرامطه از شیعیان فاطمی در دمشق شکست خوردند حاکم دمشق امام نابلسی را بهمراه خانواده اش دستگیر نمود و در ماه مبارک رمضان به زندان انداخت و ایشان را در قفسی چوبی زندانی کرد،

هنگامی که فرمانده سپاه المعز لدین الله به دمشق رسید امام نابلسی به او تحویل داده شد و به مصر منتقل شد.

المعز لدین الله امام نابلسی را به حضور خواست و از ایشان پرسید : شنیده ايم که گفته ای، اگر کسی ۱۰ تیر داشته باشد واجب است که یک تیر به سوی روم و ۹ تیر به سوی ما پرتاب کند

امام نابلسی فرمود: اینچنین نگفته ام

فرمانده فاطمی ها خوشحال شد و گمان کرد که امام نابلسی ترسیده است و گفت پس چه گفته ای ؟

امام نابلسی فرمود: گفتم اگر کسی ۱۰ تیر داشته باشد باید ۹ تیر به سوی شما پرتاب کند و دهمی آنها واجب است که به سوی شما شلیک شود

المعز عصبانی شد و گفت: چرا؟

امام فرمود: برای اینکه دین امت را تغییر دادید و صالحان را به قتل رساندید و نور اسلام را خاموش کردید و ادعای چیزی (یعنی اسلام) را دارید که در شما نیست

پس المعز دستور به کندن پوست امام نابلسی داد، هیچ شخصی از منتسبین به اسلام حاضر به این کار نشد تا اینکه بعد از سه روز شکنجه توسط شخصی یهودی به مسلخ خانه برده شد و از بالای سر در حالیکه مشغول ذکر الله متعال و تلاوت قران بود شروع به کندن پوست ایشان کردند، نوبت به پوست صورتشان رسید و ایشان همچنان صبور و با صلابت بودند و آیات الله متعال را زمزمه میکردند تا اینکه سلاح به بازوی ایشان رسید پس دلش نرم شد و خنجری را به دست گرفت و برای پایان دادن به شکنجه به قلب ایشان وارد ساخت و ایشان را به شهادت رساند. منبع: سیر اعلام نبلاء، السیر امام ذهبی، بدایه و نهایه ابن کثیر.

پس منتظریم..... تا چقدر علمای ما را به شهادت برسانند..... منتظر چه چیز هستیم؟!.



بیگانگان در بیت المقدس:

این شهر شریف تا اواخر قرن پنجم هجری در دست مسلمانان بود؛ اما در آن موقع بی تدبیری و سوء سیاست حاکمان مسلمان و ضعف و انحطاط و تفرقه های داخلی در میان مسلمانان، موجب شد که دشمنان اسلام کمر همت به تضعیف مسلمانان بسته و تسلط بر آنان را در سرلوحه برنامه هایشان قرار دهند؛ به همین جهت در سال ۴۹۰ ق صلیبیها با نیرویی کم نظیر که از سراسر اروپا جمع کرده بودند به تهاجمی وسیع دست زده و با توسل به بی رحمانه ترین روشها، بیت المقدس را به تصرف خود درآوردند . آنان فقط در حرم شریف، صد هزار مسلمان را به قتل رساندند .

در طول ۹۱ سالی که بیت المقدس و مسجد الاقصی در تصرف صلیبی های اشغالگر و خونخوار بود، این مسجد رو به ویرانی گذاشته بود تا اینکه صلاح الدین ایوبی در سال ۵۸۳ ق پس از فتح عکا به سوی قدس حرکت کرد و پس از ۹۱ سال اشغال قدس به دست صلیبیها، آنجا را در ۱۷ رجب ۵۸۳ ق آزاد کرد و در جنگ تاریخی حطین کشتار عظیمی از صلیبیهای خونخوار به راه انداخت . او بعد از فتح شهر در مسجد الاقصی خطبه خواند و آنجا را بعد از تعمیر و نظافت و پاکسازی باگلاب شستشو داد و منبر زیبایی نیز از شام به آنجا آورد .



ای امت اسلام! خواب بس است!

بازی باکلمات بس است! ، حسن ظن به دشمنان بس است! ، حسن ظن به سازمان ملل ملحدی که قاتل هزاران تن از فرزندانمان است بس است!

بس است ... بس است ...

بس است نشستن ...

بس است راضی شدن به خواری و ذلت ...

بس است هرروز تماشاگر اجساد هزاران کودک و پیرو جوان و زن مرد بودن ...

بس است که تمام سرزمین هایکه باخون سلف صالح فتح شدند از ما گرفتند و در آن خون های ما ریختند و پدر و مادر ما را پیش روی چشمان ما کشتند و خواهران ما را بی عفت ساختند ...

بس است اکتفا کردن برای پخش چندعدد تصویر و خبر! آن هم بخاطر اینکه صفحات اجتماعی ما خالی از خبر نباشد!

چرا نمیخواهیم بدانیم که دشمن ما یکی نیست!

دشمن ما امت اسلام، فقط بشار نصیری و رافضه و اعوان و انصارشان نیست!

چرا نمیخواهیم بدانیم که دشمنان ما همان کسانی هستند که امروز در سازمان های بین المللی و به اسم حقوق بشر، وبامضای سازمان ملل ملحد، خون مان را آب میدانند!

چرا نمیخواهیم بدانیم که دشمنان ما همان BBC و العربیه و CNN و... است که حق را باطل و باطل را حق نشان میدهند!

چرا نمیخواهیم بدانیم که اگر این جنایات از طرف مامسلمانان بود، امروز صدای حقوق بشر و ساحران اعلامیش(خبرنگاران) گوش بشر را کر کرده بودند!

قسم الله... ای جوانان امت!

ای علمای امت...

ای داعیان امت...

ای تاجران امت...

ای مجاهدان امت...

امت جز شما کس دیگری ندارد...

ای امت اسلام...

امروز تنها راه حل برای نجات شما... بازگشت به اسلام... اسلامی که یکی از بالهایش شمشیر است...

امروز جز اتحاد و اتفاق چاره‌ی دیگر نیست والله اگر شناخت دشمن اساس پیروزیست.

چگونه آرام باشم که خواهرانم در زندان‌ها شهید شوند!..!

چگونه بخدمت که اطفال سوری و فلسطینی ما از دست یهود به قتل برسند، و از شدت گرسنگی جان دهند!..!

چگونه بخدمت که مملکت ام اشغال باشد!..!

چگونه بخدمت که در مسیر پیامبر و صحابه رفتن برای مومنین آتش و زندان باشد!..!

چگونه راحت باشم که در روی زمین حتی یک حکومت اسلامی نباشد، و من زنده باشم!..!

چگونه نفس بکشم که قدس ام در دست یهود باشد!..!

چگونه بخدمت که تفسیر از قرآن و رسانیدن کلام الله جواب برای مردم افراط‌گرایی و دهشت باشد!..!

چگونه بخدمت در حالیکه ایمان در قلب دارم!..!

و چگونه بخندم؟

و برای چه بخندم.....؟



امروز اسب ها خسته شدند از انتظار !! :

امروز اسب ها ! به سوی کاخ الحمراء نظاره گر است و سوارکارش را می طلبد ، همان اسبی ست که به سوی قدس می نگردد...

و می پرسد: پس کجاست صلاح الدین ؟

همان اسبی ست که به دمشق چشم دوخته است...

و می گوید: کجاست نورالدین محمود و کجایند امویان ؟

همان اسبی ست که چشم از بغداد بر نمی دارد... و سراغ رشید را می گیرد

همان اسبی ست که چشمش اندلس را دنبال می کند و فریاد می زند : پس

کجاست طارق بن زیاد او چشم براه شکوه است پس «الا ان نصر الله قریب».

زمانیکه امتی واحد بودیم ... در سال ۱۹۱۵ ارتش عثمانی عرب های غیور را برای دفاع از استانبول ترک نشین در مقابل متجاوزان فرانسوی و بریتانیایی در نبرد گالیپولی به خدمت گرفت.

تنها در این جنگ نابرابر بیش از ۷۰ هزار سرباز عرب که بیشترشان از حلب و حماه و موصل و قدس و مکه مکرمه بودند کشته شدند

این نبرد سنگین که به مدت هشت ماه طول کشید از طرفین درگیر در جنگ بیش از نیم میلیون کشته گرفت، اما سرانجام با شکست نیروهای ائتلافی به پایان رسید و پیروزی از آن ارتش عثمانی شد.

در آنجا قبرهای کشته شدگان این نبرد را مشاهده می فرمایید که بر روی سنگ آنها زادگاه این دلاوران قید شده است، حماه، حلب، موصل، غزه، بیروت و حتی مکه.... شاید امروزه بیش از پیش نیاز به وجود خلافتی اسلامی که تمامی مسلمانان را زیر بال و پر خود بگیرد احساس کنیم.

خلافتی که آراکان و برمه، فلسطین و کل شام و سایر بلاد اسلامی چشم انتظارش هستند.



به الله قسم! قدس را تحویل تان نخواهیم نمود: به الله سوگند که کلید های بیت المقدس را که امیرالمؤمنین عمر بن خطاب تحویل گرفت را تسلیم تان نخواهیم کرد، حتی اگر خائن آن را تقدیم تان کنند.



صلیبی ها در بلاد اسلامی یک پادشاهی و سه امارت تشکیل دادند:

- امارت رها [توسط عماد الدین زنگی آزاد گشت].
- امارت انطاکیه [توسط ظاهر بیبرس آزاد گشت].
- پادشاهی بیت المقدس [توسط صلاح الدین ایوبی آزاد گشت].
- امارت طرابلس [توسط منصور سیف الدین قلاوون آزاد گشت].



عوامل سقوط قدس

در کتاب «جهود العلماء والأدباء في استنقاذ القدس من الصليبيين» عوامل سقوط قدس چنین بیان گردیده است:

۱: ضعیف شدن سیطره خلافت ، و تقسیم شدن سرزمین های اسلامی به مرزهای سایکس بیکو.

زمانیکه مسلمانان عزت داشتند ، از مکه و مدینه شروع تا اندلس (اسپانیا) همه زیر یک رهبریت (امیرالمؤمنین) زندگی می کردند و هیچ سرزمینی زیر استعمار نمی رفت ، و هیچ ابر قدرتی نمی توانست سر بلند کند [وقتی کشتی های عثمانی از جلوی لنگرگاههای اروپایی عبور میکردند، کلیساها از بصدای آوردن ناقوسها خودداری میکردند از ترس اینکه مسلمین پیاده شده و آن شهر را فتح کنند. - سبحان الله-].

پس در این جا بود که گروه "بویهین" در ایران و گروه "فاطمیین عبیدین" در مصر و گروه "حمدانیین" در الجزیره آهسته آهسته خود را از سیطره خلافت اسلام دور کردند و اکثریت شهر های اسلامی سرزمین های زیر دست خویش را به مرز های ساختگی سایکس بیکو مبدل ساختند ، اینجا بود که آهسته آهسته خلافت یکه تا اندلس (اسپانیا) بود تبدیل به سرزمین های کوچک شد و نتوانست که از شهر های خود حفاظت نماید.

۲: خروج علیه خلیفه اسلام و منازعه بر احکامات و دستاویز ان:

بزرگترین ضربه بر سرزمین های اسلامی این بود که یهود بعضی از مسلمانان جاهل را فریب داده و آنها را تشویق به قیام علیه خلیفه و دستورات آنها می کردند [جالب اینجا بود

که علمای در باری را تحریک می کردند تا مردم علیه خلیفه شورش کنند ، طوریکه أمیه بن عبدالرحمن گفت: دیروز همراهی من بیعت نمودند ، اما امروز من را به قتل می رسانند].

۳: فساد اقتصادی ، در بین فقراء واغنیاء:

بعد از این که خلافت را سقوط دادند وعلیه خلیفه شورش کردند ، پس بین فقراء واغنیاء فساد اقتصادی افتید ، طوریکه در همه شهر های اسلامی غدر وخیانت را براه انداختند ، دارائی تمام شهر های مشهور همانند: بغداد (که پایتخت کل دنیا در علم بود) و قدس را دزدی کردند ، طوریکه تاریخ می نویسد:قاضی عبدالوهاب مالکی از فقر زیاد تمام بغداد را غدر کرد.

۴: نبود دانشمندان سیاسی:

شیخ الاسلام می گوید: نبود سیاست مردان مسلمان در جامعه سبب شد که اسلام را به یک قلعه ی تاریک بپردازند.

واینجا بود که استعمار ملاحای در باری را تحریک نمود که بگویند: اسلام از سیاست جدا است ، و سیاست اینست که در سیاست کاری نداشته باشی.

تاریخ می نویسد: قدس بدست صلیبی ها افتید ، ولی علمای مکه بحث و مناظره در مورد علم صرف ونحو می کردند که ضرب چرا فعل ماضی است وچرا مضارع نیست!.

قدس بدست صلیبی ها افتید ولی علمای شام در این بحث مصروف بودند که در روی زن موی سبز کرد پس حکم کردن آن چیست؟

قدس بدست صلیبی ها افتید ولی علمای هند در این اختلاف داشتند که آزادی قدس فرض عین است یا کفائی؟!

۵: وارد شدن باطنی ها و قرامطه و عبیدی ها در اسلام به لباس مسلمان:

اینها کسانی بودند که مسلمانان را رسوا ساختند ، و محبت و ولاء با نصاری و یهود نمودند ، نه تنها اینکه ضرر شان به قدس رسید بلکه به تخریب مکه مکرمه قیام کردند که تاریخ هرگز پلان شوم آنها را فراموش نمی کند که هزاران نفر از حاجیان را به شهادت رسانیدند و حجر الاسود را به یغما بردند.

از سوی دیگری عبیدی ها در شمال و مصر و افریقا تعداد زیادی از اهل سنت را به شهادت رسانیدند و مذهب شیعه گری را به زور شمشیر گسترش دادند حتی اینکه مؤذنان را مجبور ساختند که بگویند: (أشهد أن علیاً ولی الله وحي علی خیر العمل) ، و بدعات را در زیارت قبور ایجاد نمودند و به تقدیس افراد پرداختند (خلاصه اینکه صلیبی ها را در ضد و علیه مسلمانان کمک کردند) .

ابن اثیر می گوید: زمانیکه عبیدی ها در سرزمین شان قوه و سیطره دولت سلجوقی دیدند پس در اینجا از دولت سلجوقی ترسیدند ، پس به فرانسویان نامه فرستادند که ایشان بالای شام حمله نمایند و قدس و سائر مناطق را زیر سیطره ی خود در آورند.

۶: کمک و همکاری نکردن مسلمانان با مسلمانان مستضعف و مظلوم:

این زن مسلمان را ببین که سربازی رومی در بازار به اوسیلی زد و او فریاد زد: وا معتصما! (ای متعصم به دادم برس) معتصم نامه ی به روم فرستاد و نوشت: از معصتم به سگ روم ، آن زن را باعزت و کرامت نزدم بفرست وگرنه لشکری را می فرستم که ابتدای آن نزد تو و آخرش نزد من باشد!.

حجاج بن یوسف که به خون ریزی مشهور است و بعضی ها شر اولین و آخرین او را یاد می کنند اما... یاقوت حموی در کتاب معجم البلدان ذکر می کند که: زن مسلمان در هند اسیر شد و فریاد زد که یا حجاجاه! خبر به حجاج که رسید گفت: لیبک لیبک ، هفت میلیون درهم خرج کرد تا هند را فتح کرده و آن زن را آزاد کند؟! [معجم البلدان].

اما..... معصم ها و حجاج ها رفتند ، دین نزد چند مشت مسلمان ضعیف و خود خواه افتید ، اگر در سرزمینی مسلمانان زیر اسارت قرار گیرند می گویند برای ما چه! نمی کردند که نمی دیدند!؟

اینجا بود که در سنه ۳۶۱ هـ صلیبی ها ضعف داخلی مسلمانان را دیدند که به کمک و همکاری مسلمانان دیگر بر نمی خیزند پس آغاز حمله بر قدس را نمودند.

اگر چه بعضی از علمای بغداد سعی و تلاش خویش را نمودند اما فایده ی نداشت و دردی را دوا نکرد .

۷: کمک و همکاری مخفیانه مسلمانان با یهود و نصاری :

مسلمانان فریب خورده ی بودند که فریب سخنان ظاهرا نه ی یهود را خورده بودند از این جهت از داخل ، مسلمانان برای یهود و نصاری خدمت می کردند .

شیخ عبدالله عزام می گوید: هرگاه یهود و نصاری از شما راضی شد ؛ در ایمان تان تجدیدکنید.

شیخ عبدالعزیز طریفی می گوید: هرگاه یهود از شما خرسند شد بدانید که خالی از دو سخن نیست یا اینکه آن یهود مسلمان شده و یا اینکه تو یهودی شده ای .

احمد دیدات رحمه الله می گوید: آنقدر که یهود ضربه ی شدید به اسلام زده! تا حالا از هیچ یکی از مخالفین اسلام دیده نشده است.

۸: خالی شدن جامعه از کتابهای جهادی:

نوشتن کتابهای جهادی برای بیدار امت اصلی است برای حفظ سرزمین های اسلامی ، اما متأسفانه علماء این موضوع مهم را ترک کردند و عالمی مصروف کتاب رد بر عالم دیگری شد ، و نوشتن کتابها در مورد جهاد فراموش شان شد تاریخ می نویسد که چندین قرن هیچ عالمی پیدا نشد که در مورد جهاد و مجاهدین کتابی بنویسد. اینجاست که الله سبحانه و تعالی میفرماید { وما أصابكم من مصيبة فبما كسبت أيدكم } .

قابل یاد آوری است که: اولین کتاب در جهاد را عبدالله ابن مبارک تألیف نمود [الاعلام].

۸: نبود علمای واقعی در امت و نفوس اهل تصوف در سرزمین های اسلامی:

- **عمر بن خطاب رضی الله عنه می گوید:** سه چیز دین را ویران میکنند: لغزش عالم و مجادله ی منافق با قرآن و رهبران گمراه کننده. [الاعتصام شاطبی].
- **امام ابن قیم رحمه الله گوید:** همانا مردم به علما و عابدان اقتدا می کنند، پس اگر علما فاجر شده و عابدان جاهل شوند، مصیبت فراگیر می گردد و فتنه بزرگی دامنگیر خاص و عام خواهد شد. [مِفْتَاحُ دَارِ السَّعَادَةِ ۱ / ۱۶۰].

- و نیز این قیم می گوید: علماء سوء در جلسه هایشان در مورد بهشت صحبت می کنند و با اقوالشان مردم را به راه بهشت دعوت می کنند، و با افعالشان مردم را به سوی آتش می فرستند، و هنگامی که به اقوالشان به مردم می گویند: بشتابید. افعالشان می گویند: به اینان گوش ندهید، چرا که اگر آنچه از شما می خواهند و به سوی آن دعوت می کنند حق باشد، خودشان اولین کسانی می بودند که به ادعایشان اجابت می گفتند، و آنها در ظاهر راه را نشانان می دهند هدایتان می کنند و درحقیقت راه را قطع می کنند) مردم را گمراه می کنند. الفوائد ۱/۶۱.

اما ...

نبود علمای مخلص و تأثیر گذار سبب شد تا سرزمین های اسلامی بدست صلیبی ها بی افتد ، امت مسلمه در دست چند ملای صوفی و فلسفی افتید و این دین را به باد تباهی کشیدند و به سبب فتاوا های گمراهانه شان طبق این گفته ی نبی علیه السلام «حَتَّىٰ إِذَا لَمْ يُبْقِ عَالِمًا (يَبْقَ عَالِمٌ) اتَّخَذَ النَّاسُ رُؤُوسًا (رُؤَسَاءَ) جُهَالًا فَسُئِلُوا فَأَفْتَوْا بِعَيْرِ عِلْمٍ فَضَلُّوا وَأَضَلُّوا» سرزمین های اسلامی را بدست صلیبی ها سپردند.

تاریخ می نویسد: زمانیکه خلافت عثمانی سقوط کرد برای اهل تصوف گفتند بر خیزید و به جهاد بروید ، آنها گفتند ما از سلاح کفار استفاده نمی کنیم بلکه ختم صحیح البخاری می کنیم و برای آنها دعا می کنیم.

یکی از علما می گوید: هر سرزمین بیکه زیر اشغال رفته ، اول استعمار در انجا اهل تصوف را رشد داده وبعد توسط آنها سر زمین را اشغال نموده است.

اهل تصوف با چنگ زدن به جمله عربی، [رجعنا من الجهاد الأصغر الی الجهاد الأكبر] و معرفی کردن آن به عنوان حدیث، از جهاد و مقابله با کفار عملاً دست کشیده و هرگز نقل نشده که اهل تصوف در جهاد علیه کفار و مشرکین شرکت کرده باشند فقط باعث شدند که در سرزمین های اسلامی بروند و سرزمین های اسلامی یکی پی دیگر بدست صلیبی ها بی افتند.

ابن عربی صوفی زندیق می گوید: [انّ الله اذا سلط ظلماً علی قوم فلن یجب ان یقاوموه لانه عقاب لهم من الله] "وقتی الله ظالمی را بر قومی (وسرزمینی) مسلط کرد، مقاومت در برابر او بر ملت واجب نیست چون آن حاکم ظالم، عذابی از جانب پروردگار بر آن قوم است "

شعرانی صوفی می گوید: [لقد أخذ علينا العهد بأن نأمر أخواننا ان یدوروا مع الزمان و اهله کیفما دارولایزدرون قط من رفعه الله علیهم] "از ما عهد و پیمان گرفته شده که به برادران خود اعلام کنیم با زمانه و اهل آن بچرخند هر جور که چرخید و هرگز در صدد برداشتن آنچه خدا بر آنان گذاشته (مسلط کرده) نباشند "

ابن عربی و ابن الفارض هر دو رهبر اهل تصوف هر دو در زمان جنگ صلیبی علیه مسلمین زیسته اند. هرگز کسی نشنیده که با آنان جهاد کرده یا کسی را به جهاد علیه آنها تشویق کرده باشند یا بگویند قدس اسیر است یا بغداد!، بلکه حتی مردم را از مقابله و جهاد با کفار بر حذر داشته و مسلمین را به نوکری و زیردستی کفار دعوت کرده اند. این جمله از هر دو آنها نقل شده که گفته اند: [انّ الله هو عين كلّ شیء فليدع المسلمون الصليبيين، فما هم الا الذّات الألهیة متجسّدة بتلك الصور] "هرکس و هر چیزی عین ذات الله تعالی است، پس مسلمانان نباید با مسیحی ها وصلیبی ها جهاد کنند چون در واقع پروردگار است که در کالبد و قیافه و چهره آنان تجلی یافته است."

غزالی صوفی در کتاب «المنقذ من الضلال» می گوید: من به هنگام جنگ صلیبی علیه مسلمین به غارهای سوریه و صخره بیت المقدس می رفتم و در خلوت خود مشغول عبادت می شدم و بمدت بیشتر از دو سال در غار را بر خود بستم .

در نتیجه حمله مسیحی ها به مسلمین، بیت المقدس به دست کفار افتاده و غزالی دوازده سال پس از آن نیز زندگی کرد و هرگز کسی را به جهاد علیه آنان تشویق نکرد وحتی لحظه ی هم فکر ازادی قدس را نکرد.

صاحب کتاب «تاریخ العرب الحدیث والمعاصر» شواهدی دال بر جاسوسی کردن رجال تصوف بنفع استعمار علیه مسلمین می آورد و همچنین محمد فخر شقفه السوری

در کتاب «فی التصوف» می گوید: از جمله واجبات بر دوش ما و خدمات به تاریخ و واقعیت این است که نگذاریم این مسأله پوشیده بماند که حکومت فرانسه هنگام تسلط بر شام (که قدس نیز شامل شام است) ، یکی از طریقتها و فرقه های تصوف موجود در آن کشور بنام «تیجانیه» را پشتیبانی و حمایت کرده و عده ای از رهبران شیوخ این طریقت را اجیر خود ساخته و با حمایت بسیار زیاد مالی سعی در بوجود آمدن فرقه ای طرفدار فرانسه بنام مسلمین و در میان آنان را داشت، اما برادران مجاهد مغرب عربی، مردم مخلص را بیدار کرده و خطر فرقه تیجانیه را در میان آنان تفهیم کردند.



قدس توسط تظاهرات آزاد نمی گردد؟!!

دین ما دین هرج و مرج و اغتشاش نیست. دین ما دین نظم، آرامش و انضباط است. تظاهرات از کارهای مسلمین نیست و مسلمین با آن آشنا نبوده و نیستند. اسلام دین آرامش و انضباط و رحمت است، نه دین هرج و مرج و تشویش و فتنه انگیزی؛ مسلمانان می توانند از راه های شرعی مطالبات و خواسته های خود را دنبال کنند.. [الإجابات المهمة ۱/۱۰۰]

هر باریکه قدس از دست صلیبی ها آزاد گردیده! توسط تظاهرات آزاد نگردیده بلکه با ریختن خون هزاران مسلمان آزاد گردیده است.

واین تظاهرات فقط اهداف دیموکراسی می باشد که جز ضایع کردن وقت و مسدود ساختن شهر های مسلمین می باشد و بس.

این فکر که تظاهرات راه آزادی قدس است ، محال و جنون می باشد.



شخصی که قدس را فتح میکند روزش را در اینترنت شب نمیکند:

بازار دنیایی مجازی اینقدر پر رنگ شده که تمام سنت، رسم و فرهنگ خویش را فراموش کرده ایم تمام دار و ندار ما شده فیسبوک، تلگرام، انستاگرام و بقیه برنامه ها و اکثر جوانان چنان غرق این برنامه ها اند که کلا خود را فراموش کرده است نه حوصله سخن گفتن با والدین را دارند و نه شوق بازی با اطفال و کودکان را ... (از آزادی قدس که حرف نزن).

و بعض جوانان که فعالیت های دینی و اسلامی دارند دعوت و مبارزه را خلاصه کرده اند به مجازی

در حالیکه دعوت و مبارزه به دنیایی حقیقی موثرتر نسبت به دنیایی مجازی است البته بنده نمیگویم فعالیت به دنیایی مجازی اصلا اثر ندارد و هیچ مفید نیست نه، تاثیرات خود را دارد ولی این را قبول کنید که ضررش بیشتر از فایده اش است اولین چیزی را که دنیایی مجازی از تو میگیرد خشوع و خضوع نماز است / در حالیکه به حضور الله ایستاده ای تمام فکر و هوشت به این است که پاسخ فلان را چه بدهم؟ و یا فلان شخص برایم چه خواهد گفت و یا چه بنویسم و ...

دومین چیزی را که از تو میگیرد آن مهر خوانواده و محبت زن و شوهر است و خیلی ها شاهد این هستند که چه پیوند های مبارک بخاطر غرق شدن به دنیایی مجازی و گذشتن از حد و مرز تعیین شده از هم پاشیدن و طلاق گرفتند .

سومین چیزی را که از تو میگیرد حیا و تقوا است .

اگر چی شخص بگوید من دوست های خوب و با خدا دارم بازهم سر خوردن به پروفایل های لچ و برهنه و همچنان سر خوردن به ویدیو های مزخرف که به گروه ها شیئر میشود حیا را از شما خواهد گرفت ...

چهارمین چیزی را که از تو میگیرد وقت گرانبهائی تو است بعضی از بزرگان ضیاع وقت را خودکشی میدانند و این ناراحت کننده است که خیلی خواهر ها و برادران سرگرم چیز های بیهوده درین دنیایی مجازی اند اکثر اوقات به رد و بدل کامنت های بیهوده و

بی مورد و بعضا هم نوشتن متن های که صد ها نیت را در قبال دارد مثلا مینویسند:
اگر من ازدواج کردم برایش اینگونه و آنگونه خدمت میکنم و یا فلان چیز را برایش
مهیا میسازم .

و همچنان شعار میدهند من قدس را فتح میکنم و یا خواهری مینویسد من فرزندی تربیت
میکنم که جهان را فتح کند.

عزیزان با اینگونه سر و صدای بیجا چرا خود را دلچک و طفل میسازید؟

نمیدانم این پست ها برای جمع کردن مشتری است و یا شکار چیزی که در کمین آن
هستید؟

چه لازم مسایل شخصی زندگی خود را بریزی به انترنت؟

و اینرا بدانید: هیچ دختری شخص دلچک و آدم سبک را دوست ندارد و هیچ برادری
هم دختری که دور برش صد ها پسر باشد کامنت های گوناگون بدهد نمیپسندد

اصلا چه لازم یک خواهر (در انترنت) دوست و فرزند پسر ها باشد؟

اگر میگویند ما از آنها چیزی میآموزیم / پس توصیه میکنم بجای این کار همان پنجصد
که نت فعال میکنید رفته دو کتاب بخريد و مطالعه کنید کافيست.....

(شخصی که قدس را فتح میکند روزش را در انترنت شب نمیکند)

اینگونه جوانان نمیتوانند قدس را آزاد نمایند؟!!

- ابن خلدون در مقدمه ی تاریخ خود می نویسد : عرب ها گوشت شتر خوردند و از آن غیرت و شدت را گرفتند ترک ها گوشت اسب خوردند و از آنها قوت را دریافت کردند اروپایی ها گوشت خوک خوردند و از آن دیوئی را فراگرفتند سیاه پوستان از میمون ها خوردند و از آنها محبت آواز را دریافت کردند.

ابن قیم رحمه الله می گوید:

هرکس با نوعی از حیوانات معاشرت کند بخشی از طبع و خلق و خوی آنها را پیدا می کند. و اگر از گوشت آنها تغذیه کند شباهت بیشتری به آن می یابد. (ابن القیم بالمدارج ۱/۴۰۳)

و امروز ما در این عصر و زمان بیش از هر گوشتی از گوشت مرغ استفاده می کنیم؛ گوشت مرغ می خوریم و با تاثیرپذیری از آن سخنان بیهوده و بی فایده زیادی می گوئیم و فقط سر و صدای مان زیاد است و به همین دلیل تمام امت ها به ما هجوم آورده اند و سرزمین های مانرا به یغما بردند.

براستی از مرغ ها ذلت و خواری و سر به زیر انداختن و عدم پرواز به سوی آسمان و پرحرفی و جیغ و داد بی فایده را فقط به ارث بردیم ؛ براستی چه بسیارند مرغ ها در

عصر ما ؟؟

• می گویند صلاح الدین کجاست؟!

در جواب می گویم: اصلاح نفس با دین کجاست؟!

خواهان نماز خواندن در مسجد الاقصی هستیم ولی حوصله یک رکعت نماز خواندن در مسجد محله ی خود را نداریم.

• زمانیکه جوانان مسلمان وارد قبرص شدند ، سجده شکر نمودند.

اما جوانان امروز! زمانیکه وارد اروپا شده (یاقبولی) شدند سجده شکر میکنند.

• خالد بن ولید (جوان دیروز) سرلشکر شجاع اسلام در آخرین لحظه زندگی قرآن به دست گرفته و باگریه میفرماید: "شغلی عنک الجهاد" نشد تلاوت کنم چون باجهاد مشغول بودم.

اما جوانان امروز می گویند: "شغلی عنک الجهاز". یعنی: با اسباب دنیوی و فضای مجازی (فیس بوک ، تلگرام...) مشغول بودم و نتوانستم تلاوت کنم.

• جوانان یهود به فکر گرفتن قدس شدند و جوانان مسلمان به فکر فوتبال (در نتیجه) آنها قدس را بردن و ماهم توپ.

• وقتیکه عمر مختار را به پایه دار بردند و برایش گفتند آخرین حرفت چیست؟! عمر مختار گفت: شما با این ظلم تان با نسل هایی بعدی ما هم روبرو خواهید شد.

(اما نسل بعدی جوانان: شبها در صفحات اجتماعی مصروف یافتن دوست دختر اند در حالیکه کمر دین را جوانان بسته میکنند ،

در صنف درس حدیث می دادم و سال آخر پسران بود که فارغ شوند و وارد دانشگاه شوند ، پسری را دیدم که حدود ۲۰ سال سن دارد وپایین چوکی فلم سکس تماشا میکند شما بگویید این نسل بعدی است و میتواند قدس را از چنگال صلیب رها نماید؟ شما باور به الله کنید سلف صالح در سن ۲۰ بزرگترین شهر ها را فتح میکردند و آرزوی شهادت می کردند اما جوانان امروز در صفحات اجتماعی دنبال همسریابی هستند!)

شما از جوانان افغانستان چه توقع دارید آیا اینها قدس را آزاد میکنند؟! اینها لکه بدنام گی مسلمانان اند و بس(وقتیکه وارد اروپا می شوند اگر زن باشند خود را شوی (شوهر) شار لقب میدهند و اگر مرد باشند به همجنسگرائی خود افتخار میکنند!).

● واقعا که شیخ عبدالله عزام رحمه الله فریب جوانان افغانستان را خورده بود ، او دریکی از سخنرانی هایش می گوید: کلید قدس در دست جوانان افغانستان است!! اما حالا کجاهست عبدالله عزام که این جوانان را ببیند و بگوید باعث بدنام گی تمام امت مسلمه شما هستید!.

جالب تر از همه جوانانی را در صفحات اجتماعی دیدم که رحمت کردن حتا به مسیلمه الکذاب که در حیات رسول (صلی الله علیه وسلم) ادعایی پیامبری کرده بود و همچنان ابوجهل و ابو لهب و ... چون اینها وفات کرده اند .

و کامنت آخر جالب تر از همه که میگوید: الله بلایشان رحم کرده و مغفرت کند " یقینا الله بخشنده و مهربان است " و ما چه میدانیم ممکن در زندگی شان یک عمل نیک انجام داده باشد که به سبب آن وارد جنت شود ...

نوجوانان عزیز....

الگوهای خود را در تاریخ اسلام بجوید!

اصطلاح نوجوان در باور مردمان امروز اصطلاحی بر عدم اعتماد جوانان به خودشان است و آنها را از همت های بلند باز میدارد.

برای لزوم «خود باوری» فرزندان امت رسول الله صلی الله علیه وسلم ما به مادرانی نیاز داریم که جوانانی مانند: عمر، علی، محمد الفاتح، صلاح الدین تربیت کنند کسانی که با زبان و قلب و شمشیر خود جهاد می کردند باید نسل جدید را با نیروی ایمان ساخت تا امت اسلام را سربلند کنند.

شیخ خالد راشد می گوید: آیا از چنین نسلی انتظار دارید که مسجد الاقصی را آزاد کند؟ ویا اینکه ارتفاعات جولان را از یهود بگیرد؟ ویا اینکه جنگجویان امریکایی را از عراق بیرون کند؟

نه !!! هرگز این ها نمی توانند!!!

این ها پل وراهی می شوند برای عبور دشمن ... و بازپچه دستشان! و به بردگانی تبدیل خواهند شد که مشتاق خدمت کردن به آن ها خواهند بود ، هیچ وقت اسلام را یاری نخواهند داد ، و هیچ حقی را درخواست نمی کنند ، وجلوی هیچ بی غیرتی را نخواهند گرفت و هیچ شرف وکرامتی را حفظ نخواهند کرد ، امثال این ها ، کلید سائر قلعه های اسلام که باقی مانده است را نیز تسلیم دشمنان خواهند کرد با آهنگ هایشان همراه آنها خواهند رقصید ، ولیوان های شراب را با آنها دست به دست می کنند و با آنها قمار بازی خواهند کرد ، در جامعه مسلمانان ، منافقان و مزدوران بیگانه و مردانی بیحال و تن پرور و نوازنده ها وجود دارد ! اما فکر نمی کردم که با این اندازه طرفدار داشته باشند که تنها الله از تعداد آن ها آگاه است یا الله جامعه های ما به درجه ای از بی غیرتی رسیده است که زنان ورقاصه ها به راحتی دیده می شوند وکار های باطل و فبیح و مورد نکوهش و بیشتر از آن که شنیدی بر زنان و دختران دیده میشود که در ماهواره ها هم دیده میشود ، یا الله اصول اخلاقی ما کجاست؟ و آیا حقیقت این بلاهایی که بر سرمان آمده و آن را می بینیم را درک کرده ایم؟؟ اگر اسلام در قلب هایمان مرده است پس

غیرت (عربی ، فارسی) مان کجا رفته است؟؟ آیا مردانمان تا این حد دیوث شده اند؟؟ باید به حال دین و مردانگی افسوس خورد! قسم به الله جامعه ای که این گونه باشد هیچ خیری در آن نیست و مستحق بقا و ادامه دادن زندگی نیست و مرگ برایش بهتر است و هیچ امیدی به این نیست که روی بخاطر اسلام غیرتی و خشمگین شود اینگونه یهود و بنندگان صلیب و مزدورانش توانستند که جامعه ما را تخریب کنند و هویت اصلی آنها را از بین ببرند ، نه دین و نه عزت و نه حتی کمترین شرف و کرامتی را باقی نگذاشته اند آنها پیایی فضیلت ها را از بین می برند و حیاء و عفاف را ذبح می کنند.

اسامه بن زید رضی الله عنه با بزرگان در ارتباط بود و نشست و برخاست داشت، پاهایش غبار اولین نبرد را در روز خندق - یعنی در سن ۱۵ سالگی - به خود دید .. همچنین کشته شدن پدر و رهبران ارتش اسلام را در برابر چشمانش در روز نبرد مؤته مشاهده نمود اما عزم و اراده اش در آن زمان که ۱۸ سال سن داشت سست نگردید.

این ابر مرد، زمام فرماندهی ارتش مسلمانان برای تصرف روم را به دست گرفت و الله متعال فتوحات بزرگ و درخشانی را برایش رقم زد در حالی که کمتر از ۲۰ سال سن داشت.

اما بیشتر ۲۰ ساله های امروزی، نازک نارنجی هستند. و فناوری ها، تحولات و خنده های بیش از حد، آنها را از زندگی همراه با جدیت، پشتکار و اراده پولادینی که اسلام را یاری می دهد و شکوه امت را باز می گرداند به خود مشغول ساخته است.

این دین جز به دست افراد با اراده پولادین عزت نمی گیرد.

پس "تو" هم یکی از جوانان عزتمند و با اراده باش.



واما قدس چگونه از اسارت خارج می گردد؟!

«|» چه فکر میکنید شاید اسارت قدس کثرت گناهان مسلمانان

باشد؟:(پس بیایید گناه نکنیم):

سعدبن ابی وقاص "رضی الله عنه" فردی را نزد عمر فاروق "رضی الله عنه" فرستاد تا مژده پیروزی در جنگ قادسیه را بدهد...

عمر رضی الله تعالی عنه سجده شکر به جای آورد سپس پرسید: جنگ چه هنگام شروع شد؟

جواب داد قبل از طلوع آفتاب. پرسید چه هنگام پایان یافت؟

جواب داد قبل از غروب آفتاب.

عمر فاروق شروع به گریه کرد تا ریش مبارکش خیس شد . پرسید امیر المؤمنین ما مزده پیروزی میدهیم و شما گریه میکنید؟

عمر رضی الله عنه جواب داد:

سوگند به الله متعال، باطل هیچگاه مانند امروز تا این حد(از صبح تا غروب) در برابر حق ایستادگی نکرده است...

و حتما علت آن گناهی بوده که از من یا شما سر زده است...

سپس فرمود : ما امتی هستیم که با کثرت افراد و نیرو پیروز نمیشویم...

رمز پیروزی ما دوری از گناهان و کثرت گناهان دشمن است .

هنگامی که ما و دشمن در گناه مساوی میشویم آنگاه پیروزی از آن کسی خواهد شد که نیرو و افرادش بیشتر است .

بلی امروز گناه هان ما هم بیشتر و یا مساوی و یا زیادتر از کفار شده که امروز اسیر این کشور های بی دین و یهودی شدیم .

(یا الله ایمان و قوت صحابه را برای ما اعطاء کن).

«۲» قبل از آزاد سازی قدس مدارس قرآنی و نبوی تأسیس

کن: آزاد سازی مسجد الاقصی بدست صلاح الدین ایوبی سال ها بعد تاسیس مدارس قرآن و حدیثی بود که بدست نور الدین زنکی رحمه الله تاسیس شده بودند (تاریخ می نویسد: که اولین کسیکه دارالحدیث را در اسلام بناء ساخت نور الدین زنکی بود) .

پس هرگز گمان مبر که جهل عزت و شکوه امت مارا بنا نهد.

«۳» واینکه ؛ قدس اینگونه آزاد می گردد!!!: مسلمانان بار دوم

توانایی آزاد سازی بیت المقدس را داشتند، پس در سال ۶۰۰ هجری بقاء الدین ابن عساکر کتابی ارزشمند و قدرتمند در فضایل جهاد نوشت، که برای صلاح الدین ایوبی ارسال شد، بعد از اتمام کتاب صلاح الدین ایوبی و ابن عساکر باهم و در کنار هم فاتحانه وارد قدس شدند،

سبحان الله چه علمایی و چه امیرانی...

اما در عصر حاضر سبب آن را در دوری علماء از آموزش مردم و تالیف کتاب هایی نه در باب فضایل جهاد بلکه در زمینه وجوب جهاد فتح، و جهاد دفع و پنهان شدن آنها پشت طواغیت باید جویا شد که سبب ضعف و ذلیلی امت و دوری آنها از نصرت و یاری الله متعال شده اند، عالمان ماهواره ای که هر روز با لباس های رنگین و

در باغ و بستان هایی چشم نواز برای شما از همه چیز می گویند بجز جهاد فی سبیل الله.

بله! علمایکه کلید آزاد سازی قدس در دست آنها باید باشد وعلیه صلیبی ها باید کتاب ومقاله بنویسند ! ، اما آنها مصروف نوشتن کتب تکفیر سلفیت و وهابیت وحنبلیت وشافعییت هستند.(انالله وانا الیه راجعون).

علمای که وقت خویش را در نوشتن«یک دسته گل» ، «لیلی ومجنون» ، «فروغ قلبها» «بهلول عاقل» وغیره صرف کنند از آنها توقع پرتاپ حتی یک مرمی طرف یهود را نداشته باش!.

«E» خواندن قنوت نازله برای آزاد سازی قدس از اسارت:

قنوت خواندن معمولا زمانی مستحب وسنت است که بر مسلمانان بلا یا مصیبتی نازل شود.

لازم است امروز اگر هیچ کاری از دست ما نمی آید کار ساده وآسان اینست که: حد اقل قنوت نازله بخوانیم ، یاد مان باشد که قنوت نازله نه منسوخ است ونه بدعت ، بلکه سنت ترک شده وفراموش شده است که متأسفانه امروز امت آنرا فراموش کرده اند.

شیخ ناصرالدین البانی محدث نامی قرن معاصر در کتاب خود "روش نماز پیامبر" می نویسد:

"رسول الله صلی الله علیه و سلم اگر میخواست برای کسی یا علیه کسی دعا کند، در رکعت آخر نماز و پس از اینکه سر از رکوع بر میداشت و «سمع الله لمن حمده، اللهم ربنا! لك الحمد» میگفت، قنوت میخواند (روایت بخاری). دستها را بلند میکرد (روایت احمد و طبرانی) و با صدای بلند دعا میفرمود (روایت بخاری) و مردم پشت سر ایشان آمین میگفتند (روایت ابوداود).

رسول اکرم صلی الله علیه و سلم به هنگام ضرورت در همه نمازهای پنجگانه، قنوت میخواند (روایت ابوداود). البته این در صورتی بود که میخواست برای قومی یا علیه آن، دعا کند و گرنه قنوت نمیخواند (روایت ابن خزیمه).

نمونه‌های از قنوت رسول الله صلی الله علیه و سلم بدین صورت نقل شده است: «اللهم! انج الولیدین الولید، و سلمة بن هشام، و عیاش بن اَبی ربيعة، اللهم! اشدد وطأتک علی مضر، و اجعلها سنین کسنی یوسف، اللهم! العن لحيان و رعلاً و ذکوان و عصية عصت الله و رسوله» (روایت بخاری).

و پس از قرائت، با گفتن «الله اکبر» از رکوع، به سجده میرفت (روایت نسائی و احمد).

لذا چنانکه علما چنین برداشت نمایند که شرایط و اوضاع برای مسلمانان در سرزمینی سخت شده است، می توانند در نمازهای خود قنوت بخوانند و در این امر ایرادی وارد نیست.

پس همین حالا! برای آزاد سازی قدس عزیز مان دست به کار شو! هیچ کاری نمیتوانی قنوت نازله بخوان.

«۵» خلیفه عثمانی سلطان عبدالحمید دوم در مورد قدس می

گوید: مکه حرم الله است، مدینه حرم پیامبر او و قدس نیز حرم مؤمنان ، الله متعال خود حامی مکه و مدینه است و حمایت از قدس را وظیفه قطعی ما قرار داده است.

«۶» شیخ ناصر الدین البانی در مورد آزاد سازی قدس از

اسارت می گوید: «ان أراد المسلمون عودة القدس، فليغيروا عقائدهم الفاسدة و أخلاقهم السيئة».

ترجمه: اگر مسلمانان اراده بازگردانی قدس را داشته باشند، باید عقاید اشتباه و اخلاق نادرست خود را تغییر دهند. "حاشیة صحیح الترغیب و الترهیب ۱/۴۸۷.

«۷» شیخ ابن باز در مورد چگونگی آزاد سازی قدس می

گوید: واقعاً قلب فرد مسلمان از بد و بدتر شدن قضیهی فلسطین و قدس بشدت به

درد می‌آید و تأسف می‌خورد که با گذشت ایام، ماجرای فلسطین و قدس پیچیده‌تر می‌گردد. در این اواخر وضعیت بجایی رسیده است که به سبب اختلاف کشورهای همسایه و نبود صف واحد در برابر دشمن و عدم پابندی به دستورات اسلام که پیروزی به آن بستگی دارد، قضیه ی فلسطین و قدس به شدت پیچیده شده است. الله تعالی پیروان حقیقی این دین را به خلافت و جانشینی در زمین وعده داده است. عدم پابندی به دستورات اسلام برای مسلمانان بسیار خطرناک است.

اگر کشورهای مجاور به سرعت به وحدت دست نیابند و احکام اسلام را در این قضیه‌ای که برای همه‌ی عالم اسلامی مهم است به مرحله‌ی اجرا در نیاورند، آینده‌ی آنان را به خطر خواهد انداخت.

آن‌چه که لازم و شایسته است درباره‌ی قضیه فلسطین و قدس به آن اشاره کنیم این است که این قضیه، تماماً اسلامی است ولی دشمنان اسلام تمام تلاش خود را به خرج داده‌اند که آن را از خط و مشی اسلامی آن دور کنند و به مسلمانان غیر عرب این را بفهمانند که این قضیه، قضیه‌ای است عربی و ربطی به غیر عرب‌ها ندارد و تا حدودی هم در این کار موفق بوده‌اند.

به نظر بنده تنها راه حل این قضیه این است که به این موضوع مانند قضیه‌ای اسلامی نگاه و برخورد شود و مسلمانان برای نجات آن دوشادوش هم‌دیگر حرکت کنند. جهاد با یهود، جهادی است اسلامی تا این‌که سرزمین به ساکنان اصلی اش بازگردد.

آن تعداد از یهودیانی که از جاهای دیگر به آنجا مهاجرت کرده‌اند به کشورهای قبلی خود بازگردند و فقط یهودیانی که در آنجا ساکن بوده‌اند تحت حکم اسلام باقی بمانند نه نظام کمونیستی و لائیک. در چنین حالتی به این صورت حق پیروز می‌شود و باطل خوار و ذلیل، و ساکنان این سرزمین به شهر و دیار خود باز می‌گردند و تحت حکومت اسلامی زندگی می‌کنند و نه تحت فرمان حکومت‌های دیگر. شیخ ابن باز - هدایة السالکین (۲/۳۵۵/۳۵۶).

«۱۱» شیخ ابن عثیمین در مورد چگونگی آزاد سازی قدس از

اسارت می‌گوید: مسئله از دست دادن قدس مانند از دست دادن سایر سرزمین

های مسلمانان است، هر چند فلسطین شامل بیت المقدس است که از سایر سرزمینها ارزشمندتر است، ولی حکمش مانند سایر سرزمینهای اشغالی است که باید توسط مسلمانان باز پس گرفته شوند، زیرا علماء می‌گویند چنانچه حتی یک وجب از سرزمینهای مسلمانان توسط کفار اشغال شود باید پس گرفته شود، ولی امروزه بعلت ضعف مسلمانان و کثرت منافقین و عمیلان غرب، از چنین چیزی محرومند مگر در مناطق محدودی که هنوز جهاد ادامه دارد، زیرا مسئله جهاد تا روز قیامت ادامه خواهد داشت.

بهر حال، وظیفه هر مسلمان آنست که در حد توان خود از مسلمانان و سرزمین شان دفاع کند، چنانچه خود آنها در این سرزمینهای اشغالی حضور داشته باشند بر آنها

واجب است که برای راندن اشغالگران چاره اندیشی و جهاد کنند، و چنانچه دسترسی به برخورد مستقیم با اشغالگران نداشته باشند، باید با دعاء و صدقه به کمک آنها بشتابند، و یا از طریق نشر علم شرعی مردم را به راه دین برگردانند که این خود نوعی جهاد است، ولی کسانی که بیهوده مینشینند و نه جهاد میکنند و نه به کمک مستضعفین مسلمین میشتابند در روز قیامت بازخواست خواهند شد.

«۹» داکتر عبدالله عزام در مورد چگونه آزاد سازی قدس از

اسارت می گویند: کسانی که گمان می برند که قدس ممکن است بدون جهاد و قتال و خونهای ریخته شده و جسد های تکه تکه شده پیروز شوند و آنرا زیر تصرف بی آورند . خیال پردازانی هستند که طبیعت این دین را درک نمیکنند ، و محال است که دوباره وارد آن گردند.

«۱۰» یکی از علمای سلف در مورد چگونگی آزاد سازی قدس

می گویند: چاپلوس ها هرگز مسجد الأقصی را آزاد نخواهند کرد و هیچگاه قدس را بر مومنان بر گردانده نمی توانند؛ و قدس بر گرداننده می شود توسط گروه از جوانانی با ایمان که الله بر ایمان شان افزوده است. جوانان که دارای عقیده و لاء و براء اند، افرادی اند که منتظر کلان نماها نیستند، جوانان اند که مصدر شان قوانین متحده و طواغیت غرق و غرب نیست.

«II» شیخ عبدالعزیز طریفی در مورد چگونه آزاد سازی قدس

از اسارت می گوید: الله متعال وعده داده که مسجد الاقصی با جهاد گشوده می شود نه صلح.

دری که به روی اقصی بسته شده قفل و کلید ندارد و تنها کسی وارد آن می شود که به کندن این در معتقد است نه آنهایی که در جستجوی کلیدند.

«II» دکتر ایاد قنیبی حفظه الله در مورد چگونه آزاد سازی

قدس از اسارت می گوید: برای آزادی قدس باید چه کرد؟

این پرسش مانند آن است که کسی بپرسد: «برای ساختن طبقه چهارم ساختمان، چه باید بکنم؟»

پاسخ، روشن است: باید نخست سه طبقه زیرین را بسازید.

- «این کار، زمانگیر است و ما وقت چندانی نداریم؛ هر لحظه احتمال دارد مسجد اقصی را ویران کنند!»

- سخن تان به جا ست! اما من تا کنون کسی را ندیده ام که طبقه چهارم ساختمان را، در هوا و بدون طبقه های زیرین، ساخته باشد!

اشغالِ قدس بدین معناست که یکی از پاکیزه ترین سرزمینها در بند و اسارت پلیدترین مخلوقات الله یا همان یهودی هاست!

اشغالِ قدس و کشیده شدنِ پایِ پلید یهود بدان سرزمین و تهدید آن به ویرانی، حلقه‌های از زنجیره‌ی اشغال دیگر سرزمین های اسلامی از سوی دشمنانِ اسلام و مسلمانان در تباری با دست نشانندگان آنهاست که به سبب گناهانِ امت بر آنان سیطره یافته اند و بر جان و مال و آزادی های مسلمانان فرمان میرانند و آنان را از زیست در سایه سار عدالت و رحمت نظام اسلامی محروم میدارند و دارایی های سرزمین های شان را به تاراج میبرند!

اشغالِ قدس پیامد گرفتار آمدنِ مسلمانان به شهوتها و شبهه ها و بیماریهایِ درونی و غفلت آنان است!

آنچه بر اقصی و قدس می‌رود، گوشه‌های از خواری و زبونی امت اسلامی است. ذلت و خواریای که پیامبر (صلی الله علیه وسلم) از آن خبر داده بود: «الله شما را به خواری و زبونیای گرفتار میکند که جز با بازگشت همه جانبه به دین خود از آن رهایی ندارید!»

قدس با اسارتِ فکریِ مسلمانان و سرزمینهای آنان اسیر و اشغال گردید و جز با آزادی از این اسارتها و بردگی ها، آزاد نخواهد گشت!

پروردگارا! ما را از سربازان آزادکنندهی امت از این دونوع بردگی بگردان!

«۱۳» شیخ عائض القرنی در مورد چگونه آزاد سازی قدس از

اسارت می گوید: اگر حکام کشورهای عربی و اسلامی یک هفته نباشند ما روز هشتم در مسجد الاقصی نماز میخوانیم.

علمای سوء خروج علیه حکام را کفر و گناه دانستند ولی خروج حکام علیه اسلام و مسلمانان را به حال خود گذاشتند.

واقعا این حکام عربی همیشه لکه ننگ بر اسلام و مسلمانان بوده است.

عالم مجاهد شیخ زهیر الشاویش یکی از فرماندهان ارتش نجات بخش فلسطین گفت: برای آزاد سازی مسجد الاقصی از دست یهودیان رفتیم، با خائنینی از عرب مواجه شدیم که نگهبانان حقیقی یهودیان بودند.

در زمانی که توطئه تقسیم فلسطین برای مسلمانان روشن شد، فوراً ارتش نجات بخش فلسطین برای جنگ با یهودیان تشکیل شد.

ارتش نجات از داوطلبان سوری، لبنانی، عراقی، اردنی، مصری، عربستان سعودی، یعنی و تعداد کمی از ترک ها و اروپاییان تشکیل شد،

شمار کسانی که برای پیوستن به ارتش نجات داوطلب شدند به حدود ۱۰۰۰۰ نفر رسید، ولی آنها که عملاً به سوی فلسطین عزیمت کردند بیشتر از ۴۶۳۰ داوطلب

نبودند . فرماندهی آن هارا افسرانی از کشورهای مختلف عربی به عهده داشتند که تعدادی از درجه داران و افرادی که پست‌های خود را در ارتش‌های عربی ترک کرده بودند آن هارا یاری می کردند

داوطلبان به هشت گروهان تقسیم شدند که گروه اول تا سوم با نام " الیرموک " گروه چهارم با نام " قادسیه " پنجم با نام " حطین " ششم با نام " اجنادین " هفتم با نام " عراق " و هشتم با نام " جبل العرب " مشخص شدند . این گروهان ها ، یکی پس از دیگری و پس از آن که افراد آنها مدت کوتاهی در اردوگاه‌های " قطنا " نزدیک دمشق زیر نظر نظامیان سوریه‌ای آموزش نظامی دیدند ، وارد فلسطین شدند.

«IE» الشیخ الدكتور سلیمان بن صالح الجربوع در مورد قدس

میگوید: مرحلهء ضعفی را که امت اسلام در این بُرهه به سر می‌برد، اولین مرحله‌ی آن نمی‌باشد، و این اولین محنتی نیست که امت درطول تاریخ به خود دیده باشد؛ اما اسلام هرگز شکست نخواهد خورد.

صلیبیان و صهیونیست‌ها بارها وارد بیت المقدس شده‌اند و خون‌های زیادی را به ناحق ریخته‌اند، حتی این امر سبب شد تا غربی‌ها این جنایات را به تصویر بکشند.

این امر سبب شد، سال‌های زیادی در بیت المقدس ندای اذان بلند نشود و کسی در آن نماز نخواند.

تا زمانی که الله تعالی به وسیله‌ی صلاح الدین ایوبی رحمه الله، بسبب تمکین ایشان و سربازانش قدس شریف را فتح نمود.

به زودی الله تعالی برای این امت به مانند صلاح الدین ها را خواهد آورد که دوباره مجد و عظمت را به این امت باز می گردانند، ولی براستی که ما قومی هستیم که عجله می کنیم!.

«۱۰» راه آزادی قدس جهاد مسلحانه است وبسی!.. قدس با

شعار آزاد نمی گردد: مولانا محمدعثمان حفظه الله می گوید: هر سال شعار قدس و راهپیمایی است اما با اینها بیت المقدس فتح نمی شود.

قدس عزیز با شعار های فیسبوکی و تلگرامی آزاد نمی گردد ، قدس با نوشتن در دیوار ها که "القدس لنا"(قدس از ماست) آزاد نمی گردد ، قدس با چپترها و کاغذها آزاد نمی گردد هرکس در تلاش آزادی قدس است پس راه عمر و صلاح الدین ایوبی را درپیش گیرد، گرفتن قدس بدون ریختن خون محال و جنون است.

«۱۱» شهید سیدقطب در مورد چگونگی آزادی قدس از اسارت

می گوید: صدای قدس را فقط با جهاد لیبیک بگو! و آزادی آن بدون جهاد ناممکن است.

«۱۱» "مولانا فضل الرحمن کوهی حفظه الله" در مورد چگونگی

آزادی قدس از اسارت می گوید: قدس شریف با شعار آزاد نمی گردد .

قدس با سخنرانی ، شعار، و مرگ بر ... آزاد نمی گردد...!

برای آزادی قدس غیرت و زنده دلی امثال "صلاح الدین ایوبی" لازم است که از شنیدن یک شعر از زبان حال قدس عزم به آزادی آن کرد و موفق گردید .

این شعارها و راهپیمایی ها را شوخی و تمسخر به قدس دانستند ...

«۱۲» اجماع امت مسلمه و دلسوز مبنی بر اینکه فقط راه آزادی

قدس اینست: الله سبحانه و تعالی میفرماید: (وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ

كَافَّةً وَاَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ) توبه ۳۶.

«و با همه ی مشرکان بجنگید همانگونه که آنان جملگی با شما می جنگند».

از ابن عمر رضی الله عنهما روایت است که از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که فرمودند: «هرگاه به شیوه عینه (نوعی معامله ی ربوی) معامله کردید و دم گاوها را گرفته و به زراعت راضی شدید و جهاد را ترک گفتید الله ذلتی را بر شما مسلط می گرداند که تا زمانی که به دین خود بازگردید آن را از شما نمی زداید» [به روایت ابوداود]

حمد و ستایش برای خداوندی است که وعده داده نور خود را به کمال برساند اگرچه کافران دوست نداشته باشند و برای مومنان آیینشان را که برایشان پسندیده است در زمین پابرجا سازد، و جهاد را تا روز قیامت برای حفظ دینش پیوسته نگه دارد، و اگر حفظ این جهاد را به مردمان می سپرد آنچنان که خودش سبحانه و تعالی می خواست بدان اقدام نمی کردند و دیر زمانی بود که اثری از آن باقی نمی ماند، و ستایش برای اوست که قتال در راه خود را تشریح فرموده تا با آن ظلم برطرف و ذلت و خواری زدوده شده و از حقوق و مقدسات محافظت شود.

به راستی که همپیمانی بیشتر ملت های کفر با یهود که با همیاری با آنان سرزمین و مقدسات مسلمانان را باسخاوت به آنان هدیه داده و در مناطق اسلام مستقرشان می سازند و نیز روند مسالمت سازی که مرتدان در تعامل با یهود در پیش گرفته اند هیچگاه این حقیقت شرعی را تغییر نمی دهد که یهود، کفار و مغضوب علیهم و قاتلان پیامبران و اشغالگر و متجاوزانند و بر هر مسلمان مکلفی که توانایی داشته باشد واجب است به سوی جهاد و پیکار علیه آنان بشتابد و تلاش کند که این رژیم مسخ شده را در وسط سرزمینشان مورد هدف قرار داده و ثباتش را برهم زند و آنانی هم که از این کار ناتوانند واجب است به اعداد و آماده سازی پرداخته و پیوسته تلاش کنند موانع را برطرف سازند. مسلمانان درست روزی مسجد الاقصی را از دست دادند که از نسبت به امر واجب براندازی حاکمان مرتد کوتاهی کردند و جهاد علیه آنان را ترک

گفتند، حاکمانی که برای رژیم صهیونیستی و برای نصارای اولیای یهود تا به امروز یار و پشتیبان و حامی بوده و هستند.

و امت اسلام هرگز عزت و دوران رهبری امت ها را باز نمی یابد و مسجد الاقصی و سایر سرزمینهای مسلمانان آزاد نمی شود مگر آن روزی که به طاغوتان کفر ورزیده و معتقد باشند که جهاد علیه این طاغوتان از مسائل مهم دین است و این واقعیت را درک کنند که فرقی میان اشغال حرمین مکه و مدینه با اشغال هر وجبی دیگر از سرزمین اسلام توسط طاغوتانی که به خداوند کفر ورزیده و زندگی در سایه شریعت خداوند را ممنوع ساخته اند وجود ندارد.

چون دشمنان خداوند و بی پروایی شان علیه اولیای مؤمن و موحد خداوند و نیز اتحاد یهود و نصاری و روافض صفوی و دوستان منافقشان از امت ما، باذن الله شتابی به سمت نبردهای آخر الزمان است.

که در آن امت غبار ذلت و ترس را از خود می زداید، و این کار بر پروردگار دشوار نیست، و زیانبار کسی است که از این کاروان مبارک جا بماند.

(وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَىٰ أَمْرِهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ) یوسف ۲۱

«و خداوند بر کار خود چیره و مسلط است ولی بیشتر مردم نمی دانند.»

«۱۹» شش کلید دیگر برای آزاد سازی قدس: در کتاب «جهود العلماء

والأدباء في استنقاذ القدس من الصليبيين» بعضی از کلید های ازاد سازی قدس را چنین ذکر نموده است.

۱: قدس را زمانی می توانید از اسارت آزاد نمایید که قلوب مومنین را ثابت قدم بسازیم و دل های آنان را از طواغیت منطقه آگاه سازیم. الله جل جلاله میفرماید: { وكلا نقص عليك من أنباء الرسل ما نثبت به فؤادك وجاءك في هذه الحق وموعظة وذكرى للمؤمنين }.

۲: شناخت مردان صالح و مصلح . قال الله تعالى { أولئك الذين هدى الله فبهداهم اقتده }.

۳: نظر به تاریخ و گرفتن درسها و عبرتها از سلف صالح . قال الله تعالى { لقد كان في قصصهم عبرة لأولي الألباب }.

۴: شناخت راه های نصرت و غلبه بر ظالم و نصرت مومنان صادق و موحدین اگرچه این نصرت اندکی بر تأخیر بی افتد { أكفاركم خير من أولائكم أم لكم براءة في الزبر }.

۵: دعاء و گریه سلاح مؤمن است ، حد اقل برای ازاد سازی قدس از عمق قلب دعا کنیم ، زیرا لازمه ی جهاد دعاء است رسول الله صلی الله علیه وسلم هم جهاد می کرد و هم دعاء که بسیار در دعایش تضرع و گریه می نمود [صحابی می گوید: در غزوه بدر

وقتی نیمه شب آمد، نم باران شروع شد، ما به درخت‌ها و سپرهای مان پناه بردیم، لحظاتی بعد، هر که با ما بود خوابش بُرد مگر رسول الله صلی الله علیه وسلم! [تنها] زیر درختی ایستاده بود و تا صبح نماز میخواند و می گریست. الجامع الصحیح للسنن: ج ۱۴ ص ۴۲۱.]

۶: خوشهالی و مدح به فتح و نصرت مسلمانان در یک سرزمین ، زمانیکه شیخ الاسلام ابن تیمیه در سنه ۶۹۰ هـ شهر عکا (شهری از فلسطین) را فتح نمود مسلمانان خیلی خوشهالی کردند و حتی شاعر مشهور عرب "شهاب الدین محمود" در این مورد اشعار سرود ، در نتیجه سبب شد که چهار شهر دیگر (الغزو مع الباطنی (جنگ در مقابل باطنیان) ، و جنگ قازان (جنگ با مغول) و جنگ الدفاع عن الدمشق و جنگ شحقب مسلمانان پیروز شدند.



در اخیر (پیام برای جوانان)

جوانان مسلمان دارای مسئولیت سنگینی میباشند و آن اینکه قبل از بیست سال پیش، مصلحان بیدار میشدند ولی در اطراف خود چیزی جز تاریکی که در پیچ و خم آن هیچ روزنه امیدی نمیدرخشید، مشاهده نمیکردند و به جز خوابی (و یا بگوئیم مرگی) که در میان آن هیچگونه نشانه‌های از زندگی به چشم نیامد نمیدیدند. آنها در سیاست و علم و عمل با یک ناامیدی و شکست مستمر مواجه بودند، سپس جنگ جهانی درگرفت که در طی آن قدرتمندان فاتح تلاش کردند با سنت و قوانین خداوند در نظام هستی مخالفت نمایند، کاری کنند که سر تنها ادامه حیات دهد و دو دست مستقلاً زندگی و تفکر نمایند و قلب به تنهایی کار انسان دو پا را انجام دهد. مقرر کردند که این همه حکومت‌های مضحک و خنده‌آور در کشوری که مجموع شهروندانش کمتر از نصف شهروندان لندن است وجود داشته باشند، گویا به این نتیجه رسیده بودند که «یک» نمیتواند یک چهارم چهار باشد بلکه هر یکی چهارتای کامل است!

مصلح اینها را میدید اما در کنار آن چیزهایی را که برایش امیدوارکننده باشد، موجود نمیدید که در نتیجه مشاهده چنین اوضاعی، متشائم و ناامید میشد. اما سروران من زمان متحول شد و دست قدرت، جلد دوم از تاریخ امت اسلامی را که عصر انحطاط و عقبافتادگی در آن به ثبت رسیده بود، خاتمه داد. و امروز جلد سوم تاریخ گشوده شده تا عهد رستاخیز جدید و پیشرفت را در آن به ثبت برساند. مصائب و حوادث

شدید و دردناکی که به طور پی در پی و پشت سر هم وارد میشد، باعث توجه و بیداری، و هشدار و آگاهی (امت) گردید، و در نتیجه آن، جوامع اسلامی شرقی، وحشت زده و بیدار شدند و در جستجوی طریقه زندگی و در پی راهکار برآمدند و نشانه های یک بیداری قوی و نهضتی گسترده و فراگیر به ظهور پیوست. اما سروران من، چیزی که ما آن را کم داریم ایمان و باور به این واقعیت کنونی است؛ پس میباید این اجتماع ما مژدهای به آن و دعوتی به سوی آن باشد. ما بایستی این نهضت را باور داشته باشیم چنانکه وجود خودمان را باور داریم! و اصلاً نباید در میانمان فرد ناامیدی باقی بماند.

محققاً ما بیدار شدیم! اما امروز قافله، شدیدترین مرحله راه و خطرناکترین صحرای این بادیه را می پیماید! قبلاً قافله به صورت خواب آلود حرکت میکرد و راهنمایانی که راه را گم کرده بودند، قافله را به بیراهه کشانده و آن را از صراط مستقیم منحرف نموده بودند. اما وقتی که صدای تقدیر از زبان این بزرگان شنیده شد، عدهای بر اثر آن بیدار شدند و کسانی که تا آن وقت بیدار نشده بودند، بیدار شده چشمانشان را گشودند و هر کسی سخن خود را بیان نمود و معرکه بین داعیان مصلح و راهنمایان گمراه برپا شد و مردم در میان شان به چندین دسته تقسیم شدند و یک آشفتگی و جنجال و اضطراب خاصی به وجود آمد. اما قافله همچنان حرکت میکند... در جاده مستقیم

حرکت میکند؛ زیرا بیدار شده است و کسی که بیدار و آگاه شده باشد از یک راهنمای گمراه پیروی نمیکند.

این جوانه سبز قوی که در میان صدها سبزه خشکیده و به جای مانده از موسم گذشته، پنهان مانده است به زودی راه خود را از میان آنها خواهد گشود و بدون آنها زنده خواهد ماند؛ زیرا این جوانه جدید، مادر آینده است: نوبت این جوانه فردا است، و آن علفهای خشکیده، مدت شان سپری شده و به همراه دیروز از بین رفته‌اند و هرگز باز نخواهند گشت. صدای نهضت جدید، صدای حق است! صدایی است که به صورت مبهم و نامفهوم به همراه سایر صداهایی که امروز به گوش میرسند، شنیده میشود! و همه و انعکاس صداهای قدیمی گذشته کمکم پایین می‌آید و ساکت میشود؛ زیرا انعکاس صوت پایان می‌یابد اما خود صدا از نو شروع میشود.

ومن الله التوفيق

بر امید آزادی قدس باذن الله

از دعای نیک تان فراموش نکنید

